

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سوره مبارکه قدر

۱..... ۱۴۳۷ رمضان ۱۸ ۱۳۹۵/۴/۴ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

۱..... ترجمه

۱..... نکات ترجمه‌ای و نحوی

۲..... حدیث

۴..... تدبیر

۸..... ۱۴۳۷ رمضان ۱۹ ۱۳۹۵/۴/۵ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ

۸..... ترجمه

۸..... نکات ترجمه‌ای و نحوی

۹..... حدیث

۱۳..... تدبیر

۱۵..... ۱۴۳۷ رمضان ۲۰ ۱۳۹۵/۴/۶ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ

۱۵..... ترجمه

۱۵..... حدیث

۱۹..... تدبیر

۲۲..... ۱۴۳۷ رمضان ۲۱ ۱۳۹۵/۴/۷ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

۲۲..... ترجمه

۲۲..... نکات ترجمه‌ای و نحوی

۲۴..... حدیث

۲۸..... تدبیر

۳۵..... ۱۴۳۷ رمضان ۲۲ ۱۳۹۵/۴/۸ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

۳۵..... ترجمه

۳۵..... نکات ترجمه‌ای و نحوی

۳۶..... حدیث

۳۸..... تدبیر

## ترجمه

به نام خداوند رحمان رحیم؛ بدرستی که ما در شب قدر نازلش کردیم.<sup>۱</sup>

## نکات ترجمه‌ای و نحوی

«أَنْزَلْنَا» از ریشه «نزل» می‌باشد که به معنای حرکت از بالا به پایین (المصباح المنیر ۲/ ۶۰۱) و هبوط و مستقر شدن در محل مورد نظر (حلول) است (معجم المقاییس اللغة ۵/ ۴۱۷؛ لسان العرب ۱۱/ ۶۵۶) و تفاوت «نزل» با «هبوط» در این است که هبوط، نزولی است که ادامه دارد (الفروق فی اللغة ۱۲/ ۸۶)؛ به تعبیر دیگر، در «نزل»، اصل حرکت رو به پایین بیشتر مد نظر است؛ اما در «هبوط»، استقراری که بعد از این حرکت انجام می‌شود، بیشتر مورد توجه است (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ۱۲/ ۸۸).

فعل «نزل» لازم است که با حرف اضافه (مثلاً نزل ب) یا همزه (أنزل) یا تشدید (نزل) متعدی می‌شود. (المصباح المنیر ۲/ ۶۰۱) درباره اینکه آیا بین «أنزل» با «نزل» تفاوتی هست یا نه، برخی به این نظر متمایلند که تفاوت مهمی بین این دو نیست (لسان العرب ۱۱/ ۶۵۶) اما برخی بین این دو تفاوت دیده و شواهدی از قرآن هم بر این تفاوت ارائه کرده‌اند.

امروزه معروفترین تفاوت، آن طور که در اغلب حواشی دو تفسیر کشاف و بیضاوی آمده (تاج العروس ۱۵/ ۷۲۹)، این است که «نزل» دلالت بر نزول تدریجی می‌کند، اما «أنزل» دلالت بر نزول دفعی دارد. البته مطلب ظاهراً دقتی بیش از این دارد. راغب اصفهانی چنین توضیح داده که «نزل» در جایی است که فروفرستادن، جدا جدا و یکی پس از دیگری انجام شده باشد؛ اما «أنزل» معنای عامی دارد و هم این حالت و هم حالتی را که یکجا فرو فرستاده شده باشد شامل می‌شود. (مفردات ألفاظ القرآن / ۷۹۹) چیزی که می‌تواند موید خوبی برای اعم بودن معنای أنزل باشد این است که در قرآن کریم بارش باران علاوه بر اینکه با تعبیر «نزل» آمده (عنکبوت/ ۶۳؛ زخرف/ ۱۱)، مکرراً با تعبیر «أنزل» هم آمده است (مثلاً انعام/ ۹۹؛ ) اما تنها جایی که ظاهراً این ضابطه را در خصوص کلمه «نزل» ممکن است به چالش بکشد این آیه است که «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً» (فرقان/ ۳۲) و چون نقل قول سخن کافران است لزوماً چالشی ایجاد نمی‌کند زیرا ممکن است آیه با بلاغت تمام در مقام بیان پارادوکس مستتر در کلام کافران باشد (که از طرفی انتظار نزول دفعی (جمله واحده) دارند و از طرف دیگر انتظار خود را با تعبیر نزل بیان می‌کنند). در خصوص نزول قرآن کریم، گاه در یک آیه هر دو تعبیر با هم آمده است که توجه به این تفاوت ظرافت خاصی به معنی آیه می‌بخشد؛ مثلاً: «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل/ ۴۴) یا آیه «لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ، فَإِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةً مُحْكَمَةً» (محمد/ ۲۰) که راغب اصفهانی تحلیل زیبایی از این تفاوت در تعبیر دارد که منافقان

۱. سوره مبارکه قدر یا انا انزلنا تعداد آیات آن ۵ آیه است. دارای ۳۰ کلمه و ۱۱۴ حرف است. به ترتیب مصحف نود و هفتمین و به ترتیب نزول بیست و پنجمین سوره قرآن و مکی است. از نظر حجم از «مفصلات» و از گروه اوساط و از سوره‌های کوچک قرآن است که در ردیف سوره‌های جزء عم و در پایان حزب سوم جزء سی ام قرار دارد.

پیشنهاد می‌دادند که آیات جهاد کم‌کم نازل شود تا امکان سرپیچی برایشان مهیا باشد اما وقتی سوره‌ای یکجا نازل شد، عمل نکردند» (مفردات ألفاظ القرآن / ۸۰۰)<sup>۱</sup>. و اتفاقاً یکی از نکات جالب این است که قرآن وقتی در مقام بیان موضع منافقان (که منطبق‌شان «نومن ببعض و نکفر ببعض» بوده) برمی‌آید، تعبیر «أنزل» را به کار می‌برد که نشان می‌دهد قرآن کریم در کلیتش بوده که برای آنها چالش ایجاد می‌کرده است. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُّوًّا (نساء / ۶۱)

برخی هم بر این باورند که تفاوت این دو تعبیر در این است که در «أنزل»، صدور فعل از فاعل، بیشتر مورد عنایت است؛ اما در «نزل» خود فعل از جهت وقوع و تعلق گرفتن آن به متعلقش، بیشتر مورد توجه است (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم / ۸۸ / ۱۲)

ضمناً در تفاوت وزن «تنزل» با این دو هم گفته شده، که چون وزن «تفعل» دلالت بر نوعی حالت قبول کردن از روی طوع و رغبت (= مطاوعه) دارد (برخلاف وزن انفعال، که نوعی قبول اجباری و قهری را القا می‌کند)، پس «تنزل» در جایی است که موجودی که قرار است نازل شود، نسبت به این حالت نزول، حالت آمادگی دارد و از روی اختیار این نزول را انجام می‌دهد.

«القدر»: به معنای «اندازه» و مقدار است (مفردات ألفاظ القرآن / ۶۵۸) و اصل این ماده بر کنه و نهایت ظرفیتی که یک شیء دارد، دلالت می‌کند و به همین جهت به قضای الهی که امور را به نهایت مقدر شده برایشان می‌رساند، قدر گویند (معجم المقایس اللغة / ۵ / ۶۲) در برخی کتب لغت، اولین معادل آن را مبلغ (= حد بلوغ و غایت شیء) قرار داده‌اند (معجم المقایس اللغة / ۵ / ۶۲) که به نظر می‌رسد معنای متعارف «مبلغ» (به معنای قیمت) هم ظاهراً به همین «قدر» (= اندازه) برمی‌گردد.

#### حدیث

۱) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هُوْدَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّنَعَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ لِي أَبِي مُحَمَّدٌ: قَرَأَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَعِنْدَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ يَا أَبَتَاهُ كَأَنَّ بَيْنَهُمَا مِنْ فَيْكٍ حَلَاوَةٌ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِي إِنِّي أَعْلَمُ فِيهَا مَا لَا تَعْلَمُ إِنَّهَا لَمَّا نَزَلَتْ بُعِثَ إِلَيَّ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَرَأَهَا عَلَيَّ ثُمَّ ضَرَبَ عَلَيَّ كَتِفِي الْأَيْمَنِ وَقَالَ يَا أُخِي وَوَصِيِّي وَوَلِيَّ أُمَّتِي بَعْدِي وَحَرْبَ أَعْدَائِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ هَذِهِ السُّورَةُ لَكَ مِنْ بَعْدِي وَلَوْلَاكَ مِنْ بَعْدِكَ أَنَّ جَبْرَائِيلَ أُخِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَحْدَثَ إِلَيَّ أَحْدَاثَ أُمَّتِي فِي سُنَّتِهَا وَإِنَّهُ لَيَحْدُثُ ذَلِكَ إِلَيْكَ كَأَحْدَاثِ النَّبُوَّةِ وَ لَهَا نُورٌ سَاطِعٌ فِي قَلْبِكَ وَقُلُوبِ أَوْصِيَائِكَ إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ ع.

تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العتره الطاهرة، ص ۷۹۴

۱. فَإِنَّمَا ذَكَرَ فِي الْأَوَّلِ «نَزَلَ»، وَ فِي الثَّانِي «أُنزِلَ» تَنْبِيْهُاً أَنَّ الْمُنَافِقِينَ يَقْتَرِحُونَ أَنْ يَنْزَلَ شَيْءٌ فَشَيْءٌ مِنَ الْحَثِّ عَلَى الْقِتَالِ لِيَتَوَلَّوْهُ، وَإِذَا أَمُرُوا بِذَلِكَ مَرَّةً وَاحِدَةً تَحَاشَوْا مِنْهُ فَلَمْ يَفْعَلُوهُ، فَهَمَّ يَقْتَرِحُونَ الْكَثِيرَ وَ لَا يَفُونَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ

از امام صادق ع روایت شده که پدرم امام باقر ع برایم تعریف کردند که یکبار حضرت علی ع «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را می‌خواند و امام حسن ع و امام حسین ع نزد ایشان بودند.

امام حسین ع فرمود: پدرجان! گویی این شیرینی خاصی برای شما دارد؟

فرمود: ای پسر رسول خدا و ای پسر! بدرستی که من در مورد آن چیزی می‌دانم که نمی‌دانی.

وقتی که نازل شد، جدت رسل خدا مرا احضار کرد و آن را بر من قرائت فرمود و بر شانه راستم زد و فرمود:

ای برادرم و ای جانشینم و ای کسی که بعد از من ولی امت هستی و با دشمنانم تا روزی که مبعوت می‌شوند در ستیزی! این سوره بعد از من برای توست و بعد از تو برای فرزندان توست، چرا که جبرئیل - برادرم در میان فرشتگان - برای من از شیوه‌ای که امت بعد از من پایه‌گذاری می‌کنند خبر داد و همانا آن برای تو هم همانند خبرهایی که به پیامبران آورده می‌شود خبرهایی می‌آورد [یا: همان طور که سختی‌هایی برای نبوت پیش آمد برای تو هم سختی‌هایی پیش می‌آید] و این سوره نوری تابان در قلب تو و قلوب جانشینان تو تا طلوع فجر قائم ع خواهد بود.

(۲) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ حَرِيشٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:

سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ عَنْ سُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ وَيْلَكَ سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمٍ إِيَّاكَ وَالسُّؤَالَ عَنْ مِثْلِ هَذَا فَقَامَ الرَّجُلُ.

قَالَ فَاتَيْتُهُ يَوْمًا فَأَقْبَلْتُ عَلَيْهِ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ نُورٌ عِنْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ لَا يُرِيدُونَ حَاجَةً مِنَ السَّمَاءِ وَلَا مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا ذَكَرُوهَا لِذَلِكَ النُّورِ فَاتَاهُمْ بِهَا ...

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۲۸۰

امام باقر ع می‌فرماید:

شخصی از امام صادق ع از سوره قدر سوال کرد.

فرمود: وای بر تو که از امر عظیمی سوال کردی. تو را برحذر می‌دارم که از چنین اموری سوال کنی! او بلند شد و رفت.

سپس روزی من خدمت ایشان رسیدم و از ایشان سوال کردم.

فرمود «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» نوری است نزد پیامبران و جانشینان‌شان که هیچ حاجتی در آسمان و زمین ندارند مگر اینکه آن را نزد

این نور یاد می‌کنند و او برایشان آن را می‌آورد ...

(۳) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ جَرِيشٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ نُورٌ كَهَيْئَةِ الْعَيْنِ عَلَى رَأْسِ النَّبِيِّ ص وَالْأَوْصِيَاءِ لَا يُرِيدُ أَحَدٌ مِنَّا عِلْمَ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ الْأَرْضِ أَوْ أَمْرٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْحُجُبِ الَّتِي بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ الْعَرْشِ إِلَّا رَفَعَ طَرَفَهُ إِلَى ذَلِكَ النُّورِ فَرَأَى تَفْسِيرَ الَّذِي أَرَادَ فِيهِ مَكْتُوبًا.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۴۴۳

امام صادق ع فرمود:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» نوری است به صورت چشمی بر سر [یا: چشمه‌ای بالای سر] پیامبر ص و جانشینانش؛ هیچ یک از ما علم امری از امور زمین و آسمان تا امور مربوط به حجابهایی که بین خدا و عرش اوست، نمی‌خواهد مگر اینکه با عطف توجه به بالا، نگاهش را متوجه آن نور می‌کند و آنگاه تفسیر آنچه را که اراده کرده بود، به صورت نوشته شده در آن می‌بیند.

٤) حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ يُكْتَبُ مَا يَكُونُ مِنْهَا فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ مَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ أَوْ مَطَرٍ وَ يُكْتَبُ فِيهَا وَقْدُ الْحَاجِّ ثُمَّ يَقْضَى [يُفْضَى] ذَلِكَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَقُلْتُ إِلَى مَنْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَقَالَ إِلَى مَنْ تَرَى.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلوات الله عليهم، ج ١، ص ٢٢٠

ابن بکیر از امام صادق ع روایت کرده است که:

همانا در شب قدر آنچه از خیر و شر و مرگ و حیات و باران تا سال بعد قرار است واقع شود، و نیز اسامی حاجیان، ثبت می‌شود سپس [این حکم] به اهل زمین صادر می‌گردد.

سوال کردم: به چه کسی از اهل زمین؟

فرمود: به کسی که [جلویت ایستاده و] می‌بینی!

٥) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع:

التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَالْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَالْأَمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ<sup>١</sup>.

الکافی ج ٤، ص ١٦٠

از امام صادق ع روایت شده است که:

«تقدیر» (= معلوم کردن اندازه‌ها؛ سرنوشت) در شب نوزدهم است؛ و «ابرام» (محکم‌کاری) در شب بیست و یکم است

و «امضاء» (= قطعی شدن امور) در شب بیست و سوم است.

تدبر

توجه: چون درباره «بسم الله الرحمن الرحيم» در اولین جلسه بحثی شده است دوباره بدان نمی‌پردازیم و از انا انزلناه

شروع می‌کنیم:

١) چرا فرمود «انزلناه» و نفرمود: «نزلناه»؟ (تفاوت این دو تعبیر در «نکات ترجمه» گذشت)

١. و نیز:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعِ الْمُسَلَّبِيِّ وَ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ ذَكَرَاهُ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ التَّقْدِيرُ وَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ الْقَضَاءُ وَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ إِبْرَامٌ مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ فِي خَلْقِهِ.

الکافی، ج ٤، ص: ١٦٠

ظاهرا چون سخن از نزول کل قرآن در یک شب است. این قرآنی که بیش از ۶۰۰۰ آیه دارد و آیاتش هم غالبا متناسب و ناظر به شرایط مختلف اجتماعی نازل شده، یکجا در یک شب هم نازل شده است، نزولی جمعی و دفعی؛ و این نزول در شبی واقع شده که جایگاهی برتر از هزار ماه دارد. این سوره با آیه‌ای شروع می‌شود که مدل محاسباتی ما را می‌شکند. (مومنون/۱۵، جلسه ۹۶، تدبر ۱)

امشب احتمال دارد شب قدر باشد (حدیث ۵) امشب مدل محاسباتی تغییر کرده است؛ نکند باز با مدل‌های قبلی دنبال استفاده از این شب باشیم. (البته اعمال این شب همگی درصدد است به ما در استفاده از مدل محاسباتی این شب کمک کند). انشاءالله آنها را جدی بگیریم و این فرصت عظیم را از دست ندهیم و از ثواب‌های عظیم آنها تعجب نکنیم.

۲) چرا فرمود «انزلناه» و فرمود: «انزلنا القرآن»؛ خصوصا اینکه وقتی ضمیری می‌آید باید قبلش اسم ظاهر آمده باشد؛ اما در این سوره هیچ اسم ظاهری قبلش وجود ندارد؟

اغلب که مفسران مرجع ضمیر «ه» را «قرآن کریم» دانسته‌اند، دو دلیل ذکر کرده‌اند:

الف. دلالت سیاق آیات سوره

ب. آیه‌ای که می‌فرماید «وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (دخان/۲-۳).<sup>۱</sup>

اما شاید علت اینکه کلمه «قرآن» نیامده و ضمیر آمده، این است که علاوه بر قرآن، اشاره‌ای نیز باشد به حقایق آن سال که هر ساله یکجا بر قلب پیامبر و امام نازل می‌شود؛ اما چگونه؟

الف. سیاق آیات بعد، بویژه آیه ۴ نشان می‌دهد که شب قدر هر سال تکرار می‌شود و روایات فراوانی آمده است که در شب قدر، همه حقایق سال یکجا بر قلب پیامبر ص یا امام هر زمان نازل می‌شود (مثلا حدیث ۴، و انشاءالله در روزهای آینده در بحث از آیه ۴، احادیث دیگری نیز خواهد آمد)<sup>۲</sup>

ب. آیا کتاب مبین، «قرآن نازل شده» است یا حقیقتی ماورایی است که باطن این قرآن است و این قرآن از آن سرچشمه گرفته است؟ تعبیر «کتاب مبین» در پنج آیه آمده است (یوسف/۱؛ شعراء/۲؛ قصص/۲؛ زخرف/۲؛ دخان/۲) که در دومی و سومی، در ادامه‌اش توضیحی ندارد، ولی در اولی در آیه بعدی‌اش فرموده «انا انزلناه قرآنا عربيا»؛ و در چهارمی در آیه بعدی‌اش فرموده: «انا جعلناه قرآنا عربيا لعلکم تعقلون و انه فی ام‌الکتاب لدینا لعلی حکیم» و در پنجمی هم در آیه بعدی‌اش فرموده «انا

---

۱. توجه شود اینکه آیا کتاب مبین، خود قرآن است یا حقیقتی ماورایی است که باطن قرآن است و قرآن از آن سرچشمه گرفته است، نیز جای بحث وجود دارد. این تعبیر در پنج مورد آمده است (یوسف/۱؛ شعراء/۲؛ قصص/۲؛ زخرف/۲؛ دخان/۲) که در اولی در آیه بعدی‌اش دارد «انا انزلناه قرآنا عربيا» و در چهارمی در آیه بعدی‌اش دارد: «انا جعلناه قرآنا عربيا لعلکم تعقلون و انه فی ام‌الکتاب لدینا لعلی حکیم» و در پنجمی هم در آیه بعدی‌اش دارد «انا انزلناه فی لیلہ مبارکه». اگر این دومی (یعنی فقط اشاره به سرچشمه) باشد آنگاه این ضمیر «ه» در این آیه سوره قدر می‌تواند هم بر قرآن تطبیق شود و هم بر حقایق سال که هر ساله یکجا بر قلب پیامبر و امام نازل می‌شود

۲. همچنین در کتاب بصائرالدرجات ۱/ ۲۲۰-۲۲۵، فقط در یک باب، ۱۷ حدیث درباره شب قدر آورده که در ۱۳ مورد آن به این مساله تصریح

انزله فی لیلہ مبارکہ». اگر «کتاب مبین» اشاره به سرچشمه‌ی قرآن باشد آنگاه این ضمیر «ه» در این آیه سوره قدر می‌تواند اشاره به همان سرچشمه‌ای می‌کند که هم قرآن و هم حقایق سال که هر ساله یکجا بر قلب پیامبر و امام نازل می‌شود، از آن نازل می‌شود.

ج. قبلاً اشاره شد که قرآن کریم حاوی همه حقایق است که البته توان استخراج همه حقایق از آن کار هرکسی نیست (اسراء/۸۲، جلسه ۹۳ حدیث ۶ و تدبر ۱). شاید با توجه به دو نکته فوق، استفاده از ضمیر «ه» به جای «قرآن» برای این باشد که در این شب، آن مقدار از حقیقت قرآن که تفصیل کل وقایع سال است، یکباره بر قلب پیامبر و امام نازل می‌شود؛ با این توضیح، هم نزول هر ساله حقایق را شرح می‌دهد و هم نوعی از نزول هر ساله باطن جمعی قرآن را.<sup>۱</sup>

(شاید احادیث ۱-۳ در مقام بیان همین معنا باشند.)

۳) «... فی لَیْلَةٍ...»: چرا بر «شب» قدر تاکید است؟ چرا وقایع مهم در دنیا در شب رخ می‌دهد؟ و مهمترین توصیه‌ها برای عبادت و راز و نیاز در شب است. مثلاً:

«وَاعْلَمْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (بقره/۵۱) و «اعراف/۴۲»  
«يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ» (آل عمران/۱۱۳) و «زمر/۹»  
«فَأَسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ» (هود/۸۱) و «حجر/۶۵»  
«أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا» (اسراء/۱)

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ» (اسراء/۷۹)  
«أَلَا تَكَلَّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا» (مریم/۱۰)  
«فَأَسْرِبْ بِعِبَادِي لَيْلًا» (دخان/۲۳)

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ» (ق/۴۰) و «طور/۴۹»  
«كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ» (ذاریات/۱۷)  
«قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا» (مزمل/۲)

«إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ» (مزمل/۲۰)  
«إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيَالًا» (مزمل/۶)  
«وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا» (انسان/۲۶)  
«وَلَيَالٍ عَشْرًا» (فجر/۲)

اگر به تقابل این تعبیر، با تعبیر «یوم» - که تمام وصفهای قیامت با عنوان «یوم» بیان شده (یَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَوْمَ الدِّينِ، يَوْمَ الْحَسْرَةِ، و...) - توجه شود، می‌توان به نتایجی رسید؛ خصوصاً اگر توجه کنیم که آنچه در این دنیا در باطن است در روز قیامت آشکار می‌شود.

---

۱. چنانکه ظاهر برخی روایات این است که هر سال شب قدر قرآن بر پیامبر نازل می‌شود

۴) از ترکیب دو آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره/۱۸۵) نتیجه می‌شود شب قدری که قرآن در آن نازل شد، در ماه رمضان بوده است.

نکته: اما اینکه شب قدر در هر سال دقیقا همان شبی باشد که در سالهای قبل بوده، امر مشخص و واضحی نیست؛ و شاید بدین جهت است که در روایات، شب‌های مختلفی به عنوان شب قدر احتمال داده شده و حتی در برخی روایات ایامی غیر از ماه رمضان هم به عنوان شب قدر احتمال داده شده است.

### این نکته صرفا در حد یک احتمال است لذا در کانال نگذاشتم

۵) چرا فرمود «انا انزلناه» و نفرمود «انی انزلته». اگرچه کاربرد جمع در اینجا اصطلاحا از باب متکلم معظم لافسه است اما ظاهرا در قرآن کریم زمانی که خدا کار خود را با صیغه جمع به خود نسبت می‌دهد مواردی است که اسباب و علل هم در اینجا نقشی داشته‌اند. «در انزال قرآن ملائکه نقش داشته‌اند و با واسطه آنها انجام شده و لذا ضمیر جمع آمده است» (تفسیر نور/۱۰/۵۴۳)



### ترجمه

و چه چیزی آگاہت کرد [= می‌تواند آگاہت کند] که شب قدر چیست؟

### نکات ترجمه‌ای و نحوی

«ما أَدْرَاكَ» = ما + اَدْرَى + ك:

«ما» در ابتدای این عبارت، آشکارا «اسم استفهام» است (إعراب القرآن و بیانه ۱۰/۵۳؛ إعراب القرآن الکریم ۳/۴۵) و جمله سوالی است؛ اما اینکه آیا می‌تواند «مای موصوله» باشد؟ در هیچ إعراب قرآن و هیچ بحث تفسیری یافت نشد که چنین توجیهی بیاید، فقط در یک ترجمه، گویی آن را موصول فرض کرده است چون چنین ترجمه کرده «و خدا چه خوب تو را دانا کرده است که شب قدر چه اندازه مهم است» (حجۀ التفاسیر ۷/۲۸۰)<sup>۱</sup> در حالی که لازمه این ترجمه آن است که «ما»ی موصول برای «خدا» استعمال شود که استعمال ناروایی است و برای خدا از «مَن» موصول استفاده می‌شود (مثلاً: أَمَّنْ یَجِیبُ ...)

«ادری» از ریشه «دری» (مصدر معروفش: درایه) به معنای «علم» (آگاه شد و دانست) می‌باشد (المحیط فی اللغه ۹/۳۴۳) و چون به باب افعال رفته، متعدی، و به معنای «أعلم» (آگاه کرد، مطلع کرد) شده است، پس ترکیب «ما أَدْرَاكَ» به معنای «أیُّ شیءٍ أَعْلَمُكَ» «چه چیزی تو را آگاه کرد» [به معنای چه چیزی می‌تواند تو را آگاه کند] می‌باشد (لسان العرب ۱۴/۲۵۴) بسیاری از مترجمان ترکیب «ما أَدْرَاكَ» را به صورت «چه می‌دانی» ترجمه کرده‌اند، که ترجمه دقیقی نیست و این عبارت، ترجمه «ما تدری» است. همچنین فعل «ادری» از افعال دو مفعولی است و به لحاظ نحوی، ضمیر «ک» مفعول اول، و جمله «ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ» در مقام مفعول دوم برای آن می‌باشد (إعراب القرآن و بیانه ۱۰/۵۳)

درباره اینکه «دری» با «علم» چه تفاوتی دارد، دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است. «برخی گفته‌اند تفاوتی ندارند، برخی اولی را اخص از دومی دانسته‌اند و برخی اولی را در جایی دانسته‌اند که قبلش شکی بوده باشد» (تاج العروس ۱۹/۴۰۳)

همچنین، برخی بر این باورند که «دری» معرفتی است که با نوعی تدبیر حاصل می‌شود (مفردات أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ / ۳۱۳؛ تاج العروس ۱۹/۴۰۳) و برخی دیگر معتقدند که اتفاقاً معرفتی است که با تحصیل و تهیه مقدمات حاصل نمی‌شود، بلکه از راهی غیر عادی حاصل می‌شود. (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ۳/۲۰۸) و برخی هم این گونه توضیح داده‌اند که کلمه «درایه» چون بر وزن «فعاله» است و دلالت بر نوعی شمول و احاطه می‌کند (همانند کلمه عمامه) پس درایه در مورد شناختی به کار می‌رود که عالم از همه وجوه به معلوم علم داشته باشد. (الفروق فی اللغه / ۸۴) البته با توجه به اینکه همگان معترفند که این

۱ عجیب این است که این کتاب، صرفاً ترجمه نیست، بلکه کتاب تفسیری است و جای آن بوده که وقتی وی برخلاف همگان چنین ترجمه ای می‌کند توضیحی هم بایش بیاورد. اما نه در ذیل این آیه و نه در ذیل آیات قبل که این عبارت را داشته است، توضیحی نیامده است و در برخی آیات قبل به صورت «چه خوب می‌دانی که ...» ترجمه کرده (مثلاً ۷/۱۲۲) که نشاندهنده این است که ظاهراً دقت جدی‌ای در کار نبوده است.

ماده در مورد خداوند به کار نمی‌رود، حتی اگر این نظر آخر درست باشد، باز باید حداقل یکی از وجوه قبلی (مانند گذر از فرایند شک، احتیاج به تدبیر، حصول از راهی غیر عادی) نیز در این ماده لحاظ شده باشد.

ضمناً به لحاظ بلاغی، تعبیر «ما أذراک» دلالت بر عظیم شمردن مطلبی دارد که بعدش می‌آید (إعراب القرآن (نحاس) ۵/ ۱۶۶) شاید با توجه به این ملاحظه بوده که برخی چنین ترجمه کرده‌اند: (و چه تو را به عظمت این شب قدر آگاه تواند کرد؛ ترجمه الهی قمشه‌ای) اما به نظر می‌رسد باید این «عظمت» را به کل جمله «ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (که در مقام مفعول برای «ما أذراک» می‌باشد) برگرداند، نه فقط به عبارت «لَيْلَةُ الْقَدْرِ»؛ یعنی نه فقط خود شب قدر امری عظیم است، بلکه این مطلب (که شب قدر چیست) بقدری عظیم و دشوار است که جای سوال دارد که چه چیزی می‌تواند تو را به حقیقت فهم آن برساند (همان جمله‌ای که در «ترجمه» داخل گروه گذاشته شد)

#### حدیث

(۱) قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَ تَعْرِفُونَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقَالَ وَ كَيْفَ لَا نَعْرِفُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ الْمَلَائِكَةُ يَطُوفُونَ بِنَا فِيهَا. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۳۲؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۲۱<sup>۱</sup> به امام باقر ع گفته شد: آیا شما شب قدر را می‌شناسید؟

فرمود: و چگونه شب قدر را نشناسیم در حالی که ملائکه در آن شب نزد ما در رفت و آمدند.

(۲) حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: ذَكَرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، قَالَ مَا أَتَيْنَ فَضْلَهَا عَلَى السُّورِ! قَالَ قُلْتُ وَ أَىُّ شَيْءٍ فَضْلُهَا؟ قَالَ نَزَلَتْ وَ لَيَاةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فِيهَا. قُلْتُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي نَرْتَجِيهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ قَالَ نَعَمْ هِيَ لَيْلَةُ قُدْرَتِ فِيهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ قُدْرَتِ وَ لَيَاةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فِيهَا.

معانی الأخبار، ص ۳۱۶

مفضل بن عمر می‌گوید:

نزد امام باقر ع ذکری از سوره قدر به میان آمد. فرمود: چقدر برتری آن بر سایر سوره‌ها آشکار است!

گفتم: برتری‌اش به چیست؟

فرمود: ولایت امیرالمومنین ع در آن نازل شده است؟

---

۱. حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ يُونُسَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي الْمُهَاجِرِ عَنْ أَبِي الْهَدَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ قَالَ قَالَ: يَا أَبَا الْهَدَيْلِ إِنَّا لَا يَخْفَى عَلَيْنَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَطُوفُونَ بِنَا فِيهَا.

گفتم: در شب قدری که در ماه رمضان امید [درک] آن را داریم؟

فرمود: بله، آن شبی است که [وضعیت] آسمانها و زمین در آن مقدر شده، و ولایت امیرالمومنین ع در آن مقدر شده است.<sup>۱</sup>

(۳) فَرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عَبِيدٍ مُعْتَمِدًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةً لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا<sup>۲</sup>

وَقَوْلُهُ «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْنِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مُؤْمِنٍ وَهِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» وَالْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ ص وَالرُّوحُ الْقُدُّسُ وَهُوَ فِي فَاطِمَةَ [الرُّوحُ الْقُدُّسُ وَهِيَ فَاطِمَةُ] ع

«بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» يَعْنِي حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ ع.

تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۸۲-۵۸۱؛ تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، ص ۷۹۲-۷۹۱

از امام صادق ع روایت شده که فرمود:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» اللَّيْلَةُ، فَاطِمَةُ سِ اسْتِ وَ «القدر»، الله است پس هرکه فاطمه س را آن گونه که سزاوار است بشناسد، [حقیقت] شب قدر را درک کرده است؛ و همان فاطمه نامیده شد چرا که خلق از شناخت او برکنده شده‌اند.

و اینکه فرمود «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» [بهتر از هزار ماه است] یعنی از هزار مومن، زیرا که او [= فاطمه] مادر مومنان است.

«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» ملائکه، مومنانی هستند که علم آل محمد ص را در اختیار دارند و روح «روح القدس» است که در فاطمه [هم] هست

«بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» [تا فجر طلوع کند] یعنی تا زمانی که قائم ع قیام کند.

چند نکته در فهم این حدیث:

۱. این روایت ذیل هم به لحاظ مضمونی به روایت فوق نزدیک است و مهم این است که حضرت در این روایت نه مقدرات سال بلکه مقدرات تا

روز قیامت به شب قدر وابسته می‌کند. شاید وجهش این است که هر سال که مقدرات تغییر کند به تبع خود مقدرات عالم تا قیامت را تغییر می‌دهد:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ بَسَّامٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي السَّرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفِ الْكِنَانِيِّ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ تُدْرِي مَا مَعْنَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقُلْتُ لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ ص إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدَّرَ فِيهَا مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَكَانَ فِيهَا قَدْرٌ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يُتَبَكَّ وَوَلَا يَتُكَّ وَوَلَا يَتُكَّ وَوَلَا يَتُكَّ مِنَ الْيَوْمِ الْقِيَامَةِ.

معانی الأخبار، ص ۳۱۵

۲. أو مِنْ مَعْرِفَتِهَا [الشُّكُّ مِنْ أَبِي الْقَاسِمِ]

الف. در تفسیر قمی تعبیر «الرُّوحُ الْقُدُّسُ وَ هِيَ فَاطِمَةُ» آمده [به معنای اینکه الروح القدس همان فاطمه است] که اگرچه متن کامل این حدیث در کتاب «تأویل الآیات الظاهرة» نیامده، اما در این فقره، تعبیر این کتاب، تعبیر دقیقتری به نظر می‌رسید [الرُّوحُ رُوحُ الْقُدُّسُ وَ هُوَ فِي فَاطِمَةَ] که ما همین را در متن و ترجمه آوردیم.

ب. در این گونه احادیث معارفی باید دقت کرد که اولاً آنها دلالت حصری ندارند (یعنی مثلاً اینکه مومنانی آنچنانی را «ملائکه» خواند منافاتی با نزول ملائکه آسمانی ندارد چنانکه در بسیاری از احادیث دیگر بر همین مطلب هم اشاره شده است و به تعبیر علامه طباطبایی از باب «جری و تطبیق» [تطبیق بر مصداق اعلاى خود] است) و ثانیاً بر فهم ابتدایی و ظاهری حمل نمی‌شوند، بلکه اشاره به حقیقت باطنی این امور است. دقت کنید که خود آیه، درک شب قدر را کاری بسیار دشوار معرفی کرد؛ و این حدیث، مطلبی را توضیح می‌دهد که خداوند در موردش فرمود «و ما ادراک»<sup>۱</sup>

۱. احادیث زیر هم احادیثی است که به فهم حقیقت شب قدر کمک می‌کند:

(۱) حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ حَرِيشِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَاقِرٌ بِهِ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ الْقَلْبَ الَّذِي يُعَايِنُ مَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ لِعَظِيمِ الشَّانِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَيْشَقُّ وَ اللَّهُ بَطْنُ ذَلِكَ الرَّجُلِ ثُمَّ يُؤْخَذُ إِلَى قَلْبِهِ وَ يُكْتَبُ عَلَيْهِ بِمِدَادِ النُّورِ فَذَلِكَ جَمِيعُ الْعِلْمِ ثُمَّ يَكُونُ الْقَلْبُ مُصْحَفًا لِلْبَصْرِ وَ يَكُونُ اللِّسَانُ مُتْرَجِمًا لِلْأُذُنِ إِذَا أَرَادَ ذَلِكَ الرَّجُلُ عِلْمَ شَيْءٍ نَظَرَ بِبَصَرِهِ وَ قَلْبِهِ فَكَأَنَّهُ يَنْظُرُ فِي كِتَابٍ قُلْتُ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ وَ كَيْفَ الْعِلْمُ فِي غَيْرِهَا أَيْشَقُّ الْقَلْبُ فِيهِ أَمْ لَا قَالَ لَا يُشَقُّ لَكِنَّ اللَّهَ يُلْهِمُ ذَلِكَ الرَّجُلَ بِالْقُدْفِ فِي الْقَلْبِ حَتَّى يُخَيَّلَ إِلَى الْأُذُنِ أَنَّهُ تَكَلَّمَ بِمَا شَاءَ اللَّهُ [مِنْ] عِلْمِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۳

(۲) وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ قَالَ: لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ- لَيْلَةَ الْقَدْرِ أَوَّلَ مَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَ لَقَدْ خَلَقَ فِيهَا أَوَّلَ نَبِيٍّ يَكُونُ وَ أَوَّلَ وَصِيِّ يَكُونُ وَ لَقَدْ قَضَى أَنْ يَكُونَ فِي كُلِّ سَنَةٍ لَيْلَةً يَهْبِطُ فِيهَا بِتَفْسِيرِ الْأُمُورِ إِلَى مِثْلِهَا مِنَ السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ مَنْ جَحَدَ ذَلِكَ فَقَدَّرَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِلْمَهُ لِأَنَّهُ لَا يَقُومُ الْأَنْبِيَاءُ وَ الرُّسُلُ وَ الْمُحَدَّثُونَ إِلَّا أَنْ تَكُونَ عَلَيْهِمْ حُجَّةٌ بِمَا يَأْتِيهِمْ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ مَعَ الْحُجَّةِ الَّتِي يَأْتِيهِمْ بِهَا جِبْرَائِيلُ عَ قُلْتُ وَ الْمُحَدَّثُونَ أَيْضاً يَأْتِيهِمْ جِبْرَائِيلُ أَوْ غَيْرُهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ عَ قَالَ أَمَّا الْأَنْبِيَاءُ وَ الرُّسُلُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَلَا شَكَّ وَ لَا بُدَّ لِمَنْ سِوَاهُمْ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ خُلِقَتْ فِيهِ الْأَرْضُ إِلَى آخِرِ فَنَاءِ الدُّنْيَا أَنْ تَكُونَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حُجَّةٌ يَنْزِلُ ذَلِكَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ إِلَى مَنْ أَحَبَّ مِنْ عِبَادِهِ وَ أَيْمُ اللَّهُ لَقَدْ نَزَلَ الرُّوحُ وَ الْمَلَائِكَةُ بِالْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَى آدَمَ وَ أَيْمُ اللَّهُ مَا مَاتَ آدَمُ إِلَّا وَ لَهُ وَصِيٌّ وَ كُلُّ مَنْ بَعْدَ آدَمَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَدْ آتَاهُ الْأَمْرُ فِيهَا وَ وَضَعَ لَوْصِيَّهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَيْمُ اللَّهُ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ لِيُؤْمَرَ فِيمَا يَأْتِيهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ مِنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَ أَنْ أَوْصِيَ إِلَى فُلَانٍ- وَ لَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ لَوْلَا الْأَمْرُ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ صَ خَاصَّةً- وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ إِلَى قَوْلِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ يَقُولُ اسْتَخْلِفَكُمْ لِعِلْمِي وَ دِينِي وَ عِبَادَتِي بَعْدَ نَبِيِّكُمْ كَمَا اسْتَخْلَفَ وَصَاةَ آدَمَ مِنْ بَعْدِهِ حَتَّى يَبْعَثَ النَّبِيَّ الَّذِي يَلِيهِ- يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً يَقُولُ يَعْبُدُونَنِي بِإِيمَانٍ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صَ فَمَنْ قَالَ غَيْرَ ذَلِكَ- فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ فَقَدْ مَكَّنَ وِلَاةَ الْأَمْرِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ بِالْعِلْمِ وَ نَحْنُ هُمُ فَاسِقُونَ فَإِنْ صَدَقْنَاكُمْ فَأَقْرُوا وَ مَا أَنْتُمْ بِفَاعِلِينَ- أَمَّا عَلِمْنَا فَظَاهِرٌ وَ أَمَّا إِبَانُ أَجَلِنَا الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ الدِّينُ مِنَّا حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَ النَّاسِ اخْتِلَافٌ فَإِنَّ لَهُ أَجَلًا مِنْ مَمَرِّ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ إِذَا آتَى ظَهَرَ وَ كَانَ الْأَمْرُ وَاحِداً وَ أَيْمُ اللَّهُ لَقَدْ قَضَى الْأَمْرُ أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ اخْتِلَافٌ وَ لِذَلِكَ جَعَلَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ لِيَشْهَدَ مُحَمَّدٌ صَ عَلَيْنَا وَ لِيَشْهَدَ عَلَيَّ شَيْعَتِنَا وَ لِيَشْهَدَ شَيْعَتُنَا عَلَى النَّاسِ أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَكُونَ فِي حُكْمِهِ اخْتِلَافٌ أَوْ بَيْنَ أَهْلِ عِلْمِهِ تَنَاقُضٌ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ فَضَّلُ إِيْمَانَ الْمُؤْمِنِ بِجُمْلَةٍ- إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ بِنَفْسِيهَا عَلَى مَنْ لَيْسَ مِثْلُهُ فِي الْإِيْمَانِ بِهَا فَفَضَّلُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْبَهَائِمِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيُدْفَعُ بِالْمُؤْمِنِينَ بِهَا عَنِ الْجَاحِدِينَ لَهَا فِي الدُّنْيَا لِكَمَالِ عَذَابِ الْآخِرَةِ لِمَنْ عَلِمَ أَنَّهُ لَا يُتُوبُ مِنْهُمْ مَا يَدْفَعُ بِالْمُجَاهِدِينَ عَنِ الْقَاعِدِينَ وَ لَا أَعْلَمُ أَنَّ فِي هَذَا الزَّمَانِ جِهَاداً إِلَّا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ وَ الْجِوَارَ.

٣) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَسَّانَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ التَّمِسُّهَا فِي لَيْلَةٍ إِحْدَى وَعِشْرِينَ أَوْ لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ.

الكافي، ج ٤، ص ١٥٦

٤) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ عَلَامَةِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ عَلَامَتُهَا أَنْ تَطِيبَ رِيحُهَا وَإِنْ كَانَتْ فِي بَرْدٍ دَفِئَتْ وَإِنْ كَانَتْ فِي حَرٍّ بَرَدَتْ فَطَابَتْ قَالَ وَ سُئِلَ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ تَنْزِلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَالْكَتَبَةُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ فِي أَمْرِ السَّنَةِ وَمَا يُصِيبُ الْعِبَادَ وَأَمْرُهُ عِنْدَهُ مَوْقُوفٌ لَهُ وَ فِيهِ الْمَشِيئَةُ فَيَقْدُمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيُؤَخَّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيَمْحُو وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

الكافي، ج ٤، ص ١٥٦

٥) مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: نَزَلَتِ التَّوْرَةُ فِي سِتِّ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ نَزَلَ الْإِنْجِيلُ فِي اثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ نَزَلَ الزَّبُورُ فِي لَيْلَةٍ ثَمَانِي عَشْرَةَ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ نَزَلَ الْقُرْآنُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.

الكافي، ج ٤، ص ١٥٨

٦) مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلًا يُسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ أَخْبَرَنِي عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَانَتْ أَوْ تَكُونُ فِي كُلِّ عَامٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَوْ رُفِعَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَرُفِعَ الْقُرْآنُ.

الكافي، ج ٤، ص ١٦٠

٧) مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ هِيَ أَوَّلُ السَّنَةِ وَ هِيَ آخِرُهَا.

الكافي، ج ٤، ص ١٦٠

٨) حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْفَقِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ صَدَقَةَ الْقُمِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْأَنْصَارِيِّ الْكَجَبِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ الْحَسَنَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ النَّوْفَلِيِّ يَقُولُ قَدِمَ سُلَيْمَانَ الْمُرُوزِيُّ مُتَكَلِّمًا خُرَّاسَانَ عَلَى الْمَأْمُونِ فَأَكْرَمَهُ وَ وَصَلَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ إِنَّ ابْنَ عَمِّي عَلِيَّ بْنَ مُوسَى ...

وَ لَقَدْ سَمِعْتُ قَوْمًا سَأَلُوا أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَنِ الْبَدَاءِ فَقَالَ وَ مَا يُنْكِرُ النَّاسُ مِنَ الْبَدَاءِ وَ أَنْ يَقِفَ اللَّهُ قَوْمًا يُرْجِيهِمْ لِأَمْرِهِ قَالَ سُلَيْمَانُ أَلَا تُخْبِرُنِي عَنْ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَلْتُمْ قَالَ الرِّضَا يَا سُلَيْمَانُ - لَيْلَةُ الْقَدْرِ يُقَدَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ مِنْ حَيَاةٍ أَوْ مَوْتٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ رِزْقٍ فَمَا قَدَرَهُ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَهُوَ مِنَ الْمَحْتُمِ قَالَ سُلَيْمَانُ الْآنَ قَدْ فَهَمْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَرِدْنِي قَالَ ع يَا سُلَيْمَانُ إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُورًا مَوْقُوفَةً عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُقَدَّمُ مِنْهَا مَا يَشَاءُ وَ يُؤَخَّرُ مَا يَشَاءُ - يَا سُلَيْمَانُ إِنَّ عَلِيًّا ع كَانَ يَقُولُ الْعِلْمُ عِلْمَانِ فَعِلْمُ اللَّهِ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ فَمَا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ فَإِنَّهُ يَكُونُ وَ لَا يُكذَّبُ نَفْسَهُ وَ لَا مَلَائِكَتَهُ وَ لَا رُسُلَهُ وَ عِلْمُ عِنْدَهُ مَخْزُونٌ لَمْ يُطْلِعْ عَلَيْهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ يُقَدَّمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَ يُؤَخَّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ مَا يَشَاءُ

۱) «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» در قرآن کریم ۱۳ بار تعبیر «و ما ادراک» آمده است که همگی آنها، به غیر از این آیه، درباره قیامت و احوالات آنجاست. پس مقایسه شب قدر در عظمت و پیچیدگی و جهان شمولی و ... با قیامت مقایسه بی ربطی نیست. (جلسه ۹۷ (قدر/۱)، تدبر ۳)

۲) «وَمَا أَذْرَاكَ ...»: سوره قدر می خواهد مدل محاسباتی ما را تغییر دهد (دیروز، تدبر ۱). تعبیر «ما ادراک» (چه چیزی می تواند تو را به این آگاهی برساند) کاملاً به این نکته تاکید می کند. متن سوره، پر از مطالبی است که عقل محاسبه گر دنیا مدار ما را به چالش می کشد:

اینکه «یک» بیش از «۳۰ هزار» شود،

اینکه همه ملائکه عوالم سبع (الملائکه) یکجا نازل شوند،

اینکه همه امور (کل امر) را با خود بیاورند،

و از همه مهمتر اینکه انسانی باشد که قرار است مخاطب این همه ملائکه و همه امور قرار بگیرد و ...

واقعاً اگر خدا شب قدر را قرار نداده بود، چگونه ما انسان هایی که افق دیدمان محدود، و دل مان به یک زندگی صد ساله و حداکثر یک شغل و ازدواج و خانه و ... خوش است، می توانستیم باور کنیم که روی همین کره زمین و در کنار ما، انسان هایی برتر از همه ملائکه - که همه ملائکه یکجا در یک شب نزد آنها حاضر می شوند - وجود دارند؟

اگر فاطمه کبری س، کفو و هم رتبه امیرالمومنین ع است،

و اگر روح القدس، دست کم سالی یکبار پیش پای حضرت علی ع زانوی ادب زمین می زد،

آیا اینکه فاطمه س اعظم از روح القدس باشد و روح القدس در ذیل و سایه او قرار گیرد (حدیث ۳) آیا امر ناممکنی است؟

آیا ما پیامبر و امامان مان را می شناسیم؟!

آیا فهمیدیم که آنها در میان ما بودند و نبودند!

اگر پیامبر و امام را نشناسیم، ظرفیت های انسان را نمی شناسیم، و در نتیجه، ظرفیت های خودمان را هم نخواهیم شناخت! آنها نمونه ای از مقصد حرکت مایند؛ آمده اند تا، هم بفهمیم که چقدر غافل و عقب ایم؛ و هم بفهمیم که می توان تا کجا رفت، حتی برتر از ملائکه.

ما به فلک بوده ایم، یار ملک بوده ایم،

باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست!

خود ز فلک برتریم، وز ملک افزونتریم،

۹) عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ هُمْ سُكَّانُ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَ فِيهِمْ جِبْرَائِيلُ وَ مَعَهُ الْوَيْةُ فَيُنْصَبُ لَوَاءٌ مِنْهَا عَلَى قَبْرِى وَ لَوَاءٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ لَوَاءٌ عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ لَوَاءٌ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ وَ لَا يَدْعُ مُؤْمِنًا وَ لَا مُؤْمِنَةً إِلَّا وَ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِلَّا مُدْمِنَ الْخَمْرِ وَ آكِلَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ الْمُضْمَخِ بِالزَّغْفَرَانِ .

تأویل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة، ص: ۷۹۱

زین دو چرا نگذیریم؟ منزل ما کبریاست!  
گوهر پاک از کجا، عالم خاک از کجا؟  
بر چه فرود آمدیت؟ بار کنید! این چه جاست؟  
بخت جوان یار ما، دادن جان کار ما  
قافله سالار ما، فخر جهان مصطفاست!

<http://ganjoor.net/moulavi/shams/ghazalsh/sh463/>

۳) چرا یکدفعه نفرمود «ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ» و فرمود «وَمَا أَدْرَاكَ مَا ...»؟ برخی چیزهاست که ما نمی‌دانیم، اما باید بدانیم. در عین حال به گونه‌ای هستند که با مدل‌های محاسباتی مان نمی‌توانیم آنها را بفهمیم. در مورد اینها چگونه دانستنش بسیار مهمتر از دانستنش است! ابتدا باید این سوال به طور جدی پیش آید که «چه چیزی می‌تواند تو را آگاه سازد که چیست ...؟»، و تا جواب این سوال را پیدا نکنیم، جواب سوالِ مثلاً «شب قدر چیست» را پیدا نمی‌کنیم.

این ماه رمضان و این شب‌های قدر فرصت خوبی است تا بفهمیم «چه چیزی می‌تواند ما را آگاه سازد که ...؟»  
دنبال راه دیگری برای شناخت بگردیم.

و این راه با کسانی گره خورده که این شب در اختیار آنهاست. شاید به همین جهت است که اگر آنها را بشناسیم، شب قدر را پیدا می‌کنیم. (احادیث ۱ و ۳)  
و شاید به همین جهت است که همه مقدرات کل آسمانها و زمین در عرض مقدر شدن ولایت امیرالمومنین ع مطرح شده است. (حدیث ۲)

ترجمه

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

حدیث

(۱) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ جُعِلَتْ فِدَاكَ اللَّيْلَةُ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مَا يُرْجَى فَقَالَ فِي إِحْدَى وَعِشْرِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ قَالَ فَإِنْ لَمْ أَقْوِ عَلَى كِلْتَيْهِمَا فَقَالَ مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطْلُبُ قُلْتُ فَرُبَّمَا رَأَيْنَا الْهَيْلَالَ عِنْدَنَا وَجَاءَنَا مَنْ يُخْبِرُنَا بِخِلَافِ ذَلِكَ مِنْ أَرْضٍ أُخْرَى فَقَالَ مَا أَيْسَرَ أَرْبَعِ لَيَالٍ تَطْلُبُهَا فِيهَا قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ- لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ لَيْلَةُ الْجُهَنِيِّ<sup>۱</sup> فَقَالَ إِنَّ ذَلِكَ لَيُقَالُ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ خَالِدٍ رَوَى فِي تِسْعِ عَشْرَةَ يُكْتَبُ وَفُدُّ الْحَاجِّ فَقَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَفُدُّ الْحَاجِّ يُكْتَبُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَالْمَنِيَا وَالْبَلَايَا وَالْأَرْزَاقُ وَمَا يَكُونُ إِلَى مِثْلِهَا فِي قَابِلٍ فَاطْلُبُهَا فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَصَلِّ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مِائَةَ رَكَعَةٍ وَأَحْيِيهِمَا إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَى النُّورِ وَاغْتَسِلْ فِيهِمَا قَالَ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى ذَلِكَ وَأَنَا قَائِمٌ قَالَ فَصَلِّ وَأَنْتَ جَالِسٌ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أُسْتَطِعْ قَالَ فَعَلَى فِرَاشِكَ لَا عَلَيْكَ أَنْ تَكْتَحِلَ أَوَّلَ اللَّيْلِ بِشَيْءٍ مِنَ النَّوْمِ إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تَفْتَحُ فِي رَمَضَانَ وَتُصَفَّدُ الشَّيَاطِينُ وَتُقْبَلُ أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ نَعْمَ الشَّهْرُ رَمَضَانُ كَانَ يُسَمَّى عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص الْمَرْزُوقَ.

الكافي، ج ۴، ص ۱۵۷

ابوبصیر به امام صادق ع عرض کرد: فدایت شوم، آن شبی که آنچه جای امیدواری دارد در آن امید می رود، کدام است؟

فرمود: شب بیست و یکم یا بیست و سوم!

گفت: اگر نتوانستم هر دو را احیا بدارم، [کدامش است]؟

فرمود: برای آنچه هدفی که داری، دو شب کار سختی نیست!

گفت: گاهی ما هلال ماه را زمانی می بینیم اما کسی که از جای دیگری آمده [هلال ماه را] وقت دیگری [شب قبل یا

بعدهش] دیده است.

فرمود: برای آنچه می خواهی چهار شب هم کار سختی نیست!

۱. دعائم الإسلام، ج ۱، ص: ۲۸۲

وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ص أَنَّهُ قَالَ: أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص رَجُلٌ مِنْ جُهَيْنَةَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي إِبِلًا وَغَنَمًا وَغِلْمَةً وَأُحِبُّ أَنْ تَأْمُرَنِي بِلَيْلَةٍ أُدْخِلُ فِيهَا فَأَشْهَدَ الصَّلَاةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَسَارَهُ فِي أُذُنِهِ فَكَانَ الْجُهَنِيُّ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ دَخَلَ بِإِبِلِهِ وَغَنَمِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَغِلْمَتِهِ فَبَاتَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فِي الْمَدِينَةِ فَإِذَا أَصْبَحَ خَرَجَ بِمَنْ دَخَلَ بِهِ فَرَجَعَ إِلَى مَكَانِهِ.



گفتم: فدایت شوم، شب بیست و سوم شب جهنی است [مشهور است عبدالله بن انیس، اهل جهنه، نزد پیامبر آمد و گفت به خاطر فاصله دور، آمدن به مدینه هرشب رمضان برایم سخت است؛ یک شب را بگوئید که من برای نماز و دعا بیایم. پیامبر ص در گوشش مطلبی گفت، و او شبهای بیست و سوم می‌آمد، و شب بیست و سوم به شب جهنی معروف شد] حضرت فرمود: این طور می‌گویند!

گفتم: فدایت شوم، سلیمان بن خالد روایت کرده که در شب نوزدهم نام حاجیان ثبت می‌شود. فرمود: ابامحمد! نام حاجیان و نیز خوشی‌ها و سختی‌ها و روزی‌ها و آنچه مانند اینها تا سال بعد قرار است رخ دهد، در شب قدر ثبت می‌شود؛ تو در شب‌های بیست و یکم و بیست سوم درصدد آن باش، و در هر یک از این دو شب، صد رکعت نماز بجای آر و اگر می‌توانی تا [دیده شدن] نور [خورشید]، آن دو را احیا بدار و در آن دو غسل کن! گفتم اگر نتوانستم [نماز را] در حال ایستاده انجام دهم؟ فرمود: نماز را در حال نشسته بجای آر! گفتم: اگر آن را هم نتوانستم؟

فرمود: [لااقل] توی رختخوابت! [= خوابیده نماز را بجای آر] البته اشکالی برایت ندارد که اول شب اندکی بخوابی! بدرستی که درهای آسمان در رمضان گشوده می‌شود و شیاطین در غل و زنجیر می‌شوند و اعمال مومنین مقبول قرار می‌گیرد. چقدر رمضان ماه خوبی است! زمان رسول خدا ص اسمش را «مرزوق» [روزی داده شده] گذاشته بودند.

(۲) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى الْقَمَاطِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ص فِي مَنَامِهِ بَنِي أُمِّيَّةَ يَصْعَدُونَ عَلَى مَنبَرِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ يُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْفَقْهَرَى فَأَصْبَحَ كَثِيبًا حَزِينًا قَالَ فَهَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ ع ... فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ نَزَلَ عَلَيْهِ بَأَى مِنَ الْقُرْآنِ يُؤْنِسُهُ بِهَا قَالَ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ - لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِنَبِيِّهِ ص خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مُلْكِ بَنِي أُمِّيَّةَ .

۱ . فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيبًا حَزِينًا قَالَ يَا جَبْرَائِيلُ إِنِّي رَأَيْتُ بَنِي أُمِّيَّةَ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ يَصْعَدُونَ مَنبَرِي مِنْ بَعْدِي وَ يُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْفَقْهَرَى فَقَالَ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ هَذَا شَيْءٌ مَا أَطَّلَعْتُ عَلَيْهِ فَعَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ

الكافي، ج ٤، ص ١٦٠؛ تفسير القمي، ج ٢، ص ٤٣١؛ مناقب آل أبي طالب ع، ج ٤، ص ٣٦؛ إعلام الوري بأعلام الهدى، ص ٣٦؛ مقدمه الصحيفة السجادية، ص ٢٠؛ تأويل الآيات الظاهرة، ص ٧٩١ و ٧٩٣  
 برخی از منابع اهل سنت در مورد این روایت:

١. رأى رسول الله ص في نومه - كان فروداً تصعد منبره فعمه ذلك - فأنزل الله «إنا أنزلناه في ليلة القدر وما أدراك ما ليلة القدر ليلة القدر خير من ألف شهر» تملكه بنو أمية ليس فيها ليلة قدر
٢. تفسير الثعلبي و مسند الموصلي و جامع الترمذي و اللفظ له عن يوسف بن مازن الراسبي أنه لما صالح الحسن بن علي غذل و قيل له يا مدلل المؤمنين و مسود الوجوه فقال لا تغدوني فإن فيها مصلحة. ولقد رأى النبي ص في منامه يخطب بنو أمية واحداً بعد واحد فحزن فنزل جبريل بقوله إنا أعطيناك الكوثر و إنا أنزلناه في ليلة القدر و في خير عن أبي عبد الله ع فنزل أ فرأيت إن متعناهم سنين إلى قوله يمتعون ثم نزل إنا أنزلناه يعني جعل الله ليلة القدر لنبية خيراً من ألف شهر ملك بني أمية.
٣. يوسف بن مازن الراسبي قال: قام رجل إلى الحسن بن علي ع فقال يا مسود وجه المؤمن فقال الحسن لا تؤنبنني رحمك الله فإن رسول الله ص رأى بني أمية يخطبون على منبره رجلاً فرجلاً فسأه ذلك فنزلت إنا أعطيناك الكوثر الكوثر نهر في الجنة و نزلت إنا أنزلناه في ليلة القدر و ما أدراك ما ليلة القدر ليلة القدر خير من ألف شهر يعني ألف شهر ملك بنو أمية فحسبنا ذلك فإذا هو لا يزيد و لا ينقص.
٤. قال لي أبو عبد الله - عليه السلام - ... فقال: يرحم الله يحيى، إن أبي حدثني عن أبيه عن جدّه عن علي - عليه السلام -:  
 أن رسول الله - صلى الله عليه وآله - أخذته نعسة و هو على منبره.  
 فرأى في منامه رجلاً يزور على منبره نزو القردة يردون الناس على أعقابهم القهقري فاستوى رسول الله - صلى الله عليه وآله - جالساً و الخزن يعرف في وجهه. فاتاه جبريل - عليه السلام - بهذه الآية: «و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك إلا فتنة للناس و الشجرة الملعونة في القرآن و نخوفهم فما يزيدهم إلا طغياناً كبيراً» يعني بني أمية. قال: يا جبريل أ على عهدى يكونون و في زمني قال: لا، و لكن تدور رحى الإسلام من مهاجرك فتلبث بذلك عشراً، ثم تدور رحى الإسلام على رأس خمسة و ثلاثين من مهاجرك فتلبث بذلك خمساً، ثم لا بد من رحى ضاللة هي قائمة على قطبها، ثم ملك الفراعنة قال: و أنزل الله تعالى في ذلك: «إنا أنزلناه في ليلة القدر، و ما أدراك ما ليلة القدر، ليلة القدر خير من ألف شهر» تملكها بنو أمية ليس فيها ليلة القدر. قال: فأطلع الله عز و جل نبيه - عليه السلام - أن بني أمية تملك سلطان هذه الأمة و ملكها طول هذه المدة فلو طاولتهم الجبال لطلوا عليها حتى يأذن الله تعالى بزوال ملكهم، و هم في ذلك يستشعرون عداوتنا أهل البيت و بعضنا. أخبر الله نبيه بما يلقي أهل بيت محمد و أهل مودتهم و شيعتهم منهم في أيامهم و ملكهم.
٥. و روى عن محمد بن جمهور عن صفوان عن عبد الله بن مسكان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال: قوله عز و جل خير من ألف شهر هو سلطان بني أمية و ليلة من إمام عدل خير من ألف شهر ملك بني أمية و قال تنزل الملائكة و الروح فيها بإذن ربهم أي عند ربهم على محمد و آل محمد بكل أمر سلام.
٦. ما رواه محمد بن العباس رحمه الله عن أحمد بن القاسم عن أحمد بن محمد بن خالد عن صفوان عن ابن مسكان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع في قوله عز و جل خير من ألف شهر قال من ملك بني أمية قال و قوله تنزل الملائكة و الروح فيها بإذن ربهم أي من عند ربهم على محمد و آل محمد بكل أمر سلام.

از امام صادق ع روایت شده است:

پیامبر اکرم ص در خواب دیدند که بنی امیه از منبر ایشان بالا می روند و مردم را عقب عقب به گمراهی می کشانند. صبح با ناراحتی بیدار شدند و جبرئیل بر ایشان نازل شد و ... چیزی نگذشت که آیه ای از قرآن را نازل کرد که به آن انس گیرد و فرمود: «آیا دیدی اگر آنها را سالیانی برخوردار ساختیم؛ سپس آنچه وعده داده می شدند به سراغشان بیاید، آیا آنچه بدان متنعم بودند چیزی (از عذاب خدا) را از آنها باز می گرداند؟» (شعراء/ ۲۰۳-۲۰۵) و نیز بر او نازل کرد: «ما آن را در شب قدر نازل کردیم، و چه چیزی می تواند آگاہت کند که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است» و خداوند عز و جل شب قدر را برای پیامبرش بهتر از هزار ماه سلطنت بنی امیه قرار داد.

این روایت با اندکی تفاوت (از جمله اینکه در آنها سوره کوثر به جای آیات سوره شعراء مطرح شده) در کتب اهل سنت (آدرسهای فوق) آمده و یکی از سلسله راویان این حدیث در کتب اهل سنت قاسم بن فضل خُدّانی است که بعد از نقل حدیث گفته است: «فَحَسَبْنَا ذَلِكَ، فَإِذَا هُوَ أَلْفٌ لَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ» یعنی ما [دوره حکومت بنی امیه را] محاسبه کردیم، دقیقاً هزار ماه بود، بدون هیچ کم و زیادی.

[توضیح: معاویه سال ۴۰ قمری حکومت را به دست گرفت و در سال ۱۳۲ توسط عباسیان سرنگون شدند. که ۹۲ سال می شود. اگر مدت زمان حکومت ابن زبیر - که در اواسط دوره بنی امیه ۸ سال و ۸ ماه حکومت را به دست گرفت - از آن کم کنیم ۸۳ سال و ۴ ماه می شود که دقیقاً معادل ۱۰۰۰ ماه است. برگرفته از پاورقی «الوافی، ج ۱۱، ص ۳۷۹».]

۳) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفَضِيلِ وَ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ حُمْرَانَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - ... لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ أَى شَيْءٍ عَنِي بِذَلِكَ فَقَالَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ أَنْوَاعِ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ لَوْ لَا مَا يُضَاعَفُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِلْمُؤْمِنِينَ مَا بَلَّغُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ بِحُبِّنَا.

الكافی، ج ۴، ص ۱۵۸

از امام باقر ع سوال می شود منظور از اینکه فرموده «شب قدر بهتر از هزار ماه است» چیست؟ فرمودند:

۱. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُمَرَ الْبَزَّازُ، وَالْعَبَّاسُ بْنُ حَمْدَانَ الْحَنْفِيُّ، قَالَا: ثنا زَيْدُ بْنُ أَحْزَمَ، ثنا أَبُو دَاوُدَ، ثنا الْقَاسِمُ بْنُ الْفَضْلِ، عَنْ يُوْسُفَ بْنِ مَازِنِ الرَّاسِبِيِّ، قَالَ: قَامَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، فَقَالَ: سَوَّدَتْ وَجُوهُ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَالَ: " لَا تُؤْنِبْنِي رَحِمَكَ اللَّهُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ أَرَى بَنِي أُمِيَّةٍ يَخْطُبُونَ عَلِيَّ مِنْبَرِهِ رَجُلًا فَ رَجُلًا، فَسَاءَ ذَلِكَ، فَ نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ: { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ } [الكوثر: ۱] نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ، وَ نَزَلَتْ: { إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ } [القدر: ۲]، تَمَلِّكُهُ بَنُو أُمِيَّةٍ ". قَالَ الْقَاسِمُ: «فَحَسَبْنَا ذَلِكَ، فَإِذَا هُوَ أَلْفٌ لَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ»

عمل صالح مانند نماز و صدقه و سایر کارهای خوب در آن [= در این یک شب] بهتر از انجام عمل در هزار ماهی است که در آن شب قدر نباشد و اگر نبود که خداوند برای مومنان [حسنااتشان را] مضاعف می کند، هیچگاه [به آنجا که باید و شاید] نمی رسیدند ولی خداوند به خاطر محبت آنها نسبت به ما حسنااتشان را مضاعف می کند.<sup>۱</sup>

تدبر

۱) «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: هر عمل ما یک نتیجه ای در رشد ما می گذارد که به طور عادی انتظارش را داریم. اما شب قدر هر کاری انجام دهیم، انتظار نتیجه ای بیش از سی هزار برابر باید داشته باشیم. (حدیث ۳) حساب کنید لحظه لحظه های امشب چقدر می ارزند؟ اگر این مطلب را جدی بگیریم، می فهمیم که چرا برخی از بزرگان گفته اند می ارزند از یک سال قبل برای بهره برداری از شب قدر آماده شد! ما از چه مدت قبلش آماده می شویم؟

اگر امشب گذشت، تا پس فردا جدی مراقب خودمان باشیم!

و اگر امسال را هم از دست دادیم برای سال بعد از همین رمضان خیز برداریم!

۲) «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: اما چرا؟

الف. بعد از مدتی در غل و زنجیر بودن شیاطین، امشب درهای آسمان باز شده و همه فرشتگان نازل می شوند (قدر/۴). به جای اینکه ما به آسمان برویم، آسمانیان به زمین آمده اند. پس زمین ظرفیت آسمانیان را پیدا کرده است. شبی که چنین باشد به بیش از هزار ماه می ارزند!

ب. امشب امام زمان ع بار عام داده است و فرشتگان زودتر از همه به این بار عام تشریف می یابند. (قدر/۴) آیا یک شب محضر امام زمان را درک کردن به بیش از هزار ماه زندگی بی امام نمی ارزند؟!

---

۱ در همین مضمون است احادیث زیر:

۱) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالُوا قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا سَعِيداً السَّمَّانَ كَيْفَ يَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ قَالَ الْعَمَلُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ.

الکافی، ج ۴، ص: ۱۵۷

۲) ذکر عطاء عن ابن عباس قال ذكر لرسول الله ص رجل من بني إسرائيل أنه حمل السلاح على عاتقه في سبيل الله تعالى ألف شهر فعجب من ذلك رسول الله ص عجباً شديداً و تمنى أن يكون ذلك في أمته فقال يا رب جعلت أمتي أقصر الناس أعماراً و أقلها أعمالاً فأعطاه الله ليلة القدر و قال ليلة القدر خير من ألف شهر الذي حمل الإسرائيلي السلاح في سبيل الله لك و لأمتك من بعدك إلى يوم القيامة في كل رمضان

مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۱۰، ص: ۷۹۱

حدیث فوق در یکی از کتب اهل سنت، با سندش:

۳) وأخبرنا أبو عمرو الفراتي قال: أخبرنا محمد بن إسحاق قال: حدثنا سعيد بن عيسى قال: حدثنا فارس بن عمرو قال: حدثنا صالح قال: حدثنا مسلم بن خالد بن أبي نوح أن النبي صلى الله عليه وسلم ذكر رجلاً من بني إسرائيل لبس السلاح في سبيل الله ألف شهر قال: فعجب المسلمون من ذلك فأنزل الله سبحانه: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ الَّذِي لَبَسَ ذَلِكَ الرَّجُلُ السَّلَاحَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

تفسیر ثعلبی ج ۱۰ ص ۲۳۶

ج. حقیقت شب قدر، حقیقت ولایت امیرالمومنین ع (حدیث ۲ دیروز) و باطن حضرت زهرا س (حدیث ۳ دیروز) است. وقتی در امشب تنفس می‌کنیم یعنی همه ما، در کنار فرشتگان (قدر/۴) اجازه می‌یابیم در فضای انسان کامل تنفس کنیم. تنفس در فضای انسانی که خلیفه‌الله است، اثری که در رشد انسان می‌گذارد، قابل مقایسه با وضعیت عادی ما نیست؛ و یک شب‌اش به بیش هزار ماه می‌ارزد!

د. از زمان خلیفه دوم و تا حدود صد سال بعد از رحلت پیامبر ص نقل احادیث پیامبر ممنوع بود، و این در حالی بود که آخوندهای درباری بنی‌امیه دستشان در جعل هرگونه حدیثی باز بود! وقتی به اسم اسلام، امام حسین ع و یارانش را در روز روشن شهید می‌کنند، دیگر چه چیزی از اسلام باقی می‌ماند؟ ضربه‌ای که بنی‌امیه به اسلام وارد کرده‌اند غیرقابل تصور است و انسان وقتی تاریخ را می‌خواند با خود می‌گوید آیا وقتی بین ما و پیامبر ص، بنی‌امیه فاصله شده، آیا چیزی از اسلام به ما رسیده است؟ و خدا پاسخ می‌دهد، بله! اگر آنها هزار ماه حکومت کردند، یک شب قدری را خدا به پیامبرش داد که ثمرات آن هزار ماه را خنثی کند (حدیث ۲) چگونه؟ حداقلش اینکه بنی‌امیه، راه‌های عادی رسیدن احادیث پیامبر ص را سد کردند، اما هر سال دست کم یک نفر بوده که همه مقدرات عالم نزد او رقم می‌خورده و همه فرشتگان نزد او حاضر می‌شدند و همه دانش‌های مربوط به عالم (از جمله هر علمی که برای شناخت درست و بی‌نقص دین مورد نیاز بوده) در اختیار او قرار می‌گرفته است. (کافی ۱/ ۲۵۲؛ ان‌شاءالله این حدیث در بحث فردا خواهد آمد) پس اگر کسی شب قدر را جدی بگیرد، علی‌رغم مشاهده هزار ماه انحراف‌افکنی توسط بنی‌امیه، خیالش از اینکه - با مراجعه به اهل بیت - می‌توان دین اسلام را بدون هیچ گونه تحریف و کم‌وزیادی دریافت کرد، راحت می‌شود. پس آیا این شب به بیش از هزار ماه نمی‌ارزد؟! ...

و. اما همه اینها در حد فهم ما بود. وگرنه «و ما ادراک ما لیلۃ القدر»؟

(۳) «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»:

از کنار هم گذاشتن احادیثی که درباره این آیه آمده، به نکته زیبایی می‌توان رسید:

- حضرت زهرا س، باطن شب قدر است (حدیث ۳ دیروز)

- خدا شب قدر را قرار داده تا اثر هزار ماه انحرافی را که بنی‌امیه در تاریخ گذاشتند خنثی کند (حدیث ۲)

- مهمترین انحرافی که در اسلام رقم خورد، انحراف در مسیری بود که پیامبر ص برای دریافت معتبر دین اسلام معرفی کرده بود (به تعبیر روی منبر پیامبر رفتن و صراط قهقری در حدیث ۲ توجه شود)؛ یعنی انحراف در تشخیص اینکه جانشینان واقعی پیامبر ص که قرار است مسیر صحیح وی را به مردم نشان دهند، کیانند.

نتیجه: حضرت زهرا س، شب قدر پربرکتی است که در تاریکترین برهه تاریخ، نوری برای شناختن مسیر صحیح بعد از پیامبر ص تاباند که هزار ماه ظلمات بنی‌امیه نتوانست خاموشش کند!

چگونه؟

اقدامات ایشان (اعتراضات علنی و نهایتاً دفن مخفیانه، که حتی اجازه نماز خواندن بر پیکر خود را به خلیفه وقت ندادند) علامت سوال پررنگی در تاریخ باقی گذاشت که با آن همه تبلیغات و احادیث جعلی دوره بنی‌امیه، هنوز هم اگر کسی (حتی

بدون دسترسی به کتب شیعه) بخواهد حق مساله را در مورد مسیری بررسی کند که پیامبر ص برای دریافت معتبر دین اسلام معرفی کرده، تا به حقیقت نرسد، آن علامت سوال کنار نمی‌رود!

### شکافته شدن فرق مولی‌الموحدین و الصراط‌المستقیم بر همه حق‌جویان عالم تسلیت باد

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت جان‌سوز و جهان‌سوز مظهر اعلاى عبودیت و عدالت، عظیم‌ترین آیت خداوند در عالم خلقت، دروازه علم نبوت، بر همه عاشقان حق و حقیقت، و دل‌سوختگان حریم ولایت، تسلیت.  
ان‌شاءالله خداوند متعال به حق این روزها و شب‌های مبارک، توفیق ثبت نام در جمع شیعیان حقیقی آن حضرت و فرزند عدالت‌گسترشان را به همه ما عنایت فرماید.<sup>۱</sup>

---

۱. مقارن شدن صدمین جلسه از این سلسله تدریها - که شروعش با نام صدیقه کبری س، بود - با بیست و یکم رمضان و نام و خاطره امیرالمومنین ع را به فال نیک باید گرفت و از خداوند متعال عاجزانه خواست که به حق این زوج بی‌نظیر توفیق ادامه این مسیر را از ما دریغ نورد و در این مسیر ما را لحظه‌ای به خودمان وانگذارد؛ ان‌شاءالله تبارک و تعالی.

### ترجمه

الف. همه ملائکه و روح در آن [شب] به اذن پروردگارشان از برای همه کارها [تدبیر همه «امور»، و یا اطاعت و انجام همه «اوامر» الهی] نازل می‌شوند.

ب. همه ملائکه و روح در آن [شب] به اذن پروردگارشان، از کل [عالم] امر، نازل می‌شوند.

### نکات ترجمه‌ای و نحوی

«تَنَزَّلُ» این فعل مضارع است که در اصل «تَنَزَّلُ» بوده است که به خاطر اجتماع دو «ت»، یکی حذف شده است (ماضی آن: «تَنَزَّلْتَ» است) و مضارع بودنش دلالت بر این دارد که این تنزل، مطلبی نیست که یکبار انجام و تمام شده باشد؛ شاید به همین جهت است که در آیه اول این سوره، نزول قرآن را با فعل ماضی (أنزلنا) آورد (چون قرآن نازل شد و تمام گشت) اما اینجا از فعل مضارع استفاده کرد زیرا همان طور که شب قدر هر سال تکرار می‌شود، نزول ملائکه نیز تکرار می‌شود. ضمناً (آن طور که در [جلسه ۹۷](#) بیان شد) وقوع ماده «نزل» در وزن «تفعل» دلالت می‌کند که موجودی که قرار است نازل شود، نسبت به این حالت نزول، حالت آمادگی دارد و از روی اختیار این نزول را انجام می‌دهد.

«الْمَلَائِكَةُ»: برخلاف آنچه شاید در ابتدا به نظر برسد، بسیاری از اهل لغت، حتی برخی از کسانی که این کلمه را در ذیل ماده «ملک» مورد بررسی قرار داده‌اند (مثلاً المحيط فی اللغة ۶/ ۲۷۵؛ مجمع البحرین ۵/ ۲۹۲) بر این باورند که کلمه «ملائکه» لزوماً از این ریشه «ملک» نیست.

معروفترین دیدگاه این است که اصل آن از «ألک» بوده است که به معنای «رسالت» (پیام‌رسانی) می‌باشد و در وزن مفعله (مألکه) قرار گرفته، بعد قلب رخ داده (جابجایی دو حرف «أ» و «ل») و به صورت «ملاک» (بر وزن مفعله) درآمده و بعد به صورت «ملائکه» درآمده است. در این دیدگاه، درباره اینکه آیا «ملک» به معنای مفرد است یا جمع، نظر قطعی‌ای داده نمی‌شود و برخی ملائکه را جمع ملک می‌دانند و برخی هر دو کلمه ملک و ملائکه را جمع می‌دانند. (کتاب العین ۵/ ۳۸۱؛ لسان العرب ۱۰/ ۳۹۴؛ المصباح المنیر ۲/ ۱۹؛ تاج العروس ۱۳/ ۵۱۱؛ مفردات ألفاظ القرآن/ ۸۲)

دیدگاه کم طرف‌دارتر این است که قلبی در آن رخ نداده، بلکه ریشه «لأک» بوده و این ماده هم به معنای رسالت (پیام‌رسانی) به کار می‌رود؛ و در اصل، «ملاک» (بر وزن مفعله) بوده است و در این کلمه، به خاطر سهولت در بیان، همزه ساقط شده و به صورت «ملک» درآمده و آنگاه جمع «ملاک»، ملائکه شده که گاهی «ه» آن هم می‌افتد و «ملائک» گفته می‌شود. (النهاية فی غریب الحدیث و الأثر ۴/ ۳۵۹) البته برخی در کتابشان ماده «لأک» را هم مطرح کرده‌اند، اما در پایان نظر قلبی را برتر دانسته‌اند. (لسان العرب ۱۰/ ۴۸۲؛ تاج العروس ۱۳/ ۶۳۴)

البته در میان قدما ابن کيسان معتقد بوده این کلمه از همان ماده «ملک» گرفته شده، در واقع مفرد آن «ملائک» بر وزن «فعال» بوده که همزه‌اش چون زاید بوده افتاده و به «مَلِک» تبدیل شده و «ملائکه» بر وزن «فعائله» می‌باشد. (به نقل از مجمع البیان / ۱۷۴) که بر این دیدگاه نقدهایی نیز وارد شده است. (لسان العرب / ۱۰ / ۴۸۲)<sup>۱</sup>

ظاهراً چون مهمترین گروه رسولان الهی غیر انسان، فرشتگان بوده‌اند این نام برای آنها به کار رفته است و گرنه با توجه به آیه «يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ» فرشتگان غیر رسول هم داریم (مجمع البیان / ۱ / ۱۷۵) همچنین با این اوصاف معلوم می‌شود که تعبیر «مَلِک» که به معنای حکمران در انسان [و نیز خدا] به کار می‌رود از ماده «ملک» است؛ اما آنچه در مورد فرشتگان است «مَلِک» است که در اصل به معنای «پیام‌رسان» می‌باشد. (مفردات ألفاظ القرآن / ۷۷۷)

از آنجا که کلمه «ملائکه» جمع است و در این آیه روی آن حرف «ال» آمده است (اصطلاحاً: جمع مُحَلِّي به الف و لام) دلالت بر این شمول همه ملائکه می‌کند لذا در ترجمه فارسی کلمه «همه» افزوده شد.

[در مورد «مَلِک» ظاهراً دیدگاه درست این است که هم برای مفرد و هم برای جمع به کار می‌رود (مجمع البیان / ۱۰ / ۵۲۰) و در قرآن کریم،

این کلمه گاه به وضوح برای مفرد (ما أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ؛ بقره / ۱۰۲؛ أَنْ تَكُونَا مَلَائِكِينَ، اعراف / ۲۰؛ مَلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ، سجده / ۱۱؛ إِنِّي مَلِكٌ، انعام / ۵۰ و هود / ۳۱؛ إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ، يوسف / ۳۱؛ لَوْ لَا أَنْزَلْ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا، فرقان / ۷)

و گاه آشکارا برای جمع (جاء رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا؛ فجر / ۲۲؛ وَ كَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُعْنَى شَفَاعَتُهُمْ، نجم / ۲۶) و در یک آیه هم در آن واحد هم به معنای مفرد و هم به صورت جمع به کار رفته است (وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ، انعام / ۹)<sup>۲</sup>

البته برخی موارد هم هست که وضوح قطعی در مفرد یا جمع ندارد (لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا، انعام / ۸؛ جاء مَعَهُ مَلَكٌ، هود / ۱۲؛ لَنَنْزِلُنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا، اسراء / ۹۵؛ وَ الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً؛ الحاقه / ۱۷) [

«مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» اغلب، این جار و مجرور را متعلق به فعل «تنزل» دانسته‌اند، و کلمه «سلام» در آیه بعد، خبر مقدم است که مبتدای آن «هی» در همان آیه می‌باشد. (ما بر همین اساس ترجمه کرده‌ایم) اما این احتمال هم منتفی نیست که این جار و مجرور، خبر مقدم باشد برای کلمه «سلام» که در آیه بعد آمده است؛ که منظور این است که «از هر امری از جانب ملائکه، سلامی بر مومنان باد» یا اینکه «از هر امر ترسناکی در این شب سلامت هستید» (إعراب القرآن، (نحاس) / ۵ / ۱۶۷؛ مجمع البیان / ۱۰

۱. ارائه دیدگاه‌های مختلف در قالب سه دیدگاه، در مجمع البیان / ۱ / ۱۷۴-۱۷۵

۲. البته بنا بر اینکه لباس به معنای لباس پوشاندن باشد؛ اما اگر از لبس (به معنای ملتبس شدن و اشتباه کردن) باشد و مرجع ضمیر به کفار برگردد کاملاً دلالت بر فرد می‌کند و در واقع معنای آیه چنین می‌شود: و اگر او را فرشته قرار می‌دادیم، آن فرشته را همچون یک مرد قرار می‌دادیم و مطلب را همچنان بر کفار ملتبس می‌کردیم



۷۹۱) که در این صورت، در آیه بعد عبارت «هی حتی مطلع الفجر» نیز یک عبارت مستقل می‌شود<sup>۱</sup> و آنگاه ترجمه کل این دو آیه چنین می‌شود: «در این شب، همه ملائکه و نیز روح نازل می‌شوند؛ سلام [در این شب] از جانب هر امری است؛ و [زمان نزول ملائکه در] این شب تا هنگام طلوع فجر می‌باشد»

درباره اینکه معنای «من» در اینجا چیست چند دیدگاه بیان شده (که بنا به قاعده امکان استعمال یک لفظ در چند معنا، همگی می‌تواند در آیه مد نظر باشد) برخی آن را به معنای «باء» دانسته‌اند (یعنی «تنزل ... بکل امر») که معنایش می‌شود: «همه چیز را با خود به همراه می‌آورند» و این معنایی است که در برخی از احادیث از معصومین وارد شده است) برخی آن را «من ابتدای غایت که دلالت بر سببیت می‌کند»<sup>۲</sup> دانسته‌اند (= به سبب [اطاعت و انجام] همه اوامر الهی)؛ برخی آن را تعلیل به وسیله غایت دانسته‌اند (= برای تدبیر همه امور)<sup>۳</sup>؛ و برخی آن را ابتدای از باب سببیت دانسته‌اند (مبدا و علت تنزلشان از امر الهی بوده است) (المیزان ۲۰ / ۳۳۲)

درباره «امر» اینجا سه معنا می‌تواند مد نظر باشد. دو معنای «امر» قبلا در جلسه ۸۳ (نساء/۵۹) اشاره شد (امر به معنای مطلب، و به معنای دستور) که در ترجمه اول این دو معنا مد نظر بود که اولی جمعش «امور» است و دومی جمعش «اوامر» است. معنای سوم، کاربرد خاص قرآنی از این کلمه است که در لسان قرآن کریم، «امر» به معنای عالمی از عوالمی که خدا آفریده و برتر از عالم محسوس و مادی است به کار رفته، که ان‌شاءالله به مناسبتی دیگر سراغ این معنا خواهیم رفت (ترجمه دوم بر اساس این معنا بوده است).

#### حدیث

۱) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْمُخْتَارِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ... ۴ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَلَيْسَ الرُّوحُ جَبْرَائِيلَ قَالَ جَبْرَائِيلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ خَلْقٌ أَكْبَرُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ.

- ۱ البته مرحوم طبرسی اشکالی گرفته‌اند که در این صورت جمله اخیر کاملا لغو می‌شود زیرا معلوم است که هر شبی، تا طلوع فجر شب است، و گفتن اینکه این شب تا طلوع فجر است، لغو است. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۸۶
۲. الجدول فی إعراب القرآن، ج ۳۰، ص ۳۷۴
۳. إعراب القرآن و بیانه، ج ۱۰، ص ۵۳۸
۴. عبارت حذف شده این است: «فَذَكَرَ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الْإِمَامِ إِذَا وُلِدَ قَالَ وَاسْتَوْجَبَ زِيَادَةَ الرُّوحِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» به گمانم می‌رسد اعراب اینجا شاید درست گذاشته نشده و اعراب صحیح این گونه باشد «زِيَادَةَ الرُّوحِ» بحث سر این است که علم امام هنگام تولد چقدر شمول دارد و بعد فهم من این است که امام در ادامه می‌فرماید که روح موجب زیادت آن علم در شب قدر می‌شود. طبق اعراب فوق، گفته امام همه چیز را هنگام تولد عالم می‌شود و در شب قدر زیادت روح پیدا می‌کند.

متن این حدیث به طور کاملتر در همین کتاب بصائر آمده است بدین صورت:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْمُخْتَارِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي السَّنَةِ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا ابْنُهُ مُوسَى فَلَمَّا نَزَلْنَا الْأَبْوَاءَ وَضَعَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الْغَدَاءَ وَ لِأَصْحَابِهِ وَ أَكْثَرَهُ وَ أَطَابَهُ فَبَيْنَا نَحْنُ نَتَغَدَّى إِذِ اتَّاهَ رَسُولُ حَمِيدَةَ أَنَّ الطَّلُقَ قَدْ ضَرَبَنِي وَ قَدْ

ابوبصیر از امام صادق ع سوال می کند: «آیا «الروح» همان جبرئیل نیست؟

امام می فرماید: «جبرئیل از ملائکه است، و روح مخلوقی عظیمتر از ملائکه است، آیا خداوند [در سوره قدر] نفرموده

است که «همه ملائکه و روح نازل می شوند» [یعنی همین که کلمه روح را مستقل آورد، پس متفاوت است]

(۲) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ قَالَ: عَرَضْتُ هَذَا الْكِتَابَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقَرَّبَ بِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ عَلِيُّ ع فِي صَبْحِ أَوَّلِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي كَانَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص سَلُونِي فَوَاللَّهِ لَأُخْبِرَنَّكُمْ بِمَا يَكُونُ إِلَى ثَلَاثِمِائَةٍ وَ سِتِّينَ يَوْمًا مِنَ الذَّرِّ فَمَا دُونَهَا فَمَا فَوْقَهَا ثُمَّ لَأُخْبِرَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ لَا يَتَكَلَّفُ وَلَا يَرَى وَلَا يَدْعَى فِي عِلْمٍ إِلَّا مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَ تَعْلِيمِهِ وَ اللَّهُ لَا يَسْأَلُنِي أَهْلُ التَّوْرَةِ وَ لَا أَهْلُ الْإِنْجِيلِ وَ لَا أَهْلُ الزَّبُورِ وَ لَا أَهْلُ الْفُرْقَانِ إِلَّا فَرَّقْتُ بَيْنَ كُلِّ أَهْلِ كِتَابٍ بِحُكْمٍ مَا فِي كِتَابِهِمْ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَرَأَيْتَ مَا تَعَلَّمُونَهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ هَلْ تَمْضِي تِلْكَ السَّنَةُ وَ بَقِيَ مِنْهُ شَيْءٌ لَمْ تَتَكَلَّمُوا بِهِ قَالَ لَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّهُ فِيمَا عَلِمْنَا فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَنْ أَنْصِتُوا لِأَعْدَائِكُمْ لَنْصِتْنَا فَالَنْصِتُ أَشَدُّ مِنَ الْكَلَامِ.

بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۲۳

حسن به عباس می گوید: اعتبار این حدیث مکتوب را از امام جواد ع سوال کردم و آن را تایید کرد که:

أَمَرْتَنِي أَنْ لَا أُسَبِّحَكَ بِإِيكَ هَذَا فَقَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَرِحًا مَسْرُورًا فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ عَادَ إِلَيْنَا حَاسِرًا عَنْ ذِرَاعَيْهِ ضَاحِكًا سِنَّهُ فَقُلْنَا أَضْحَكَ اللَّهُ سِنَّكَ وَ أَقْرَأَ عَيْنَيْكَ مَا صَنَعْتَ حَمِيدَةً فَقَالَ وَهَبَ اللَّهُ لِي غُلَامًا وَ هُوَ خَيْرٌ مِنْ بَرِّ اللَّهِ وَ لَقَدْ خَبَرْتَنِي عَنْهُ بِأَمْرٍ كُنْتُ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهَا قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَ مَا خَبَرْتِكَ عَنْهُ حَمِيدَةً قَالَ ذَكَرْتُ أَنَّهُ لَمَّا وَقَعَ مِنْ بَطْنِيهَا وَقَعَ وَاضِعًا يَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ رَافِعًا رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَأَخْبَرْتَهَا أَنَّ تِلْكَ أَمَارَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَمَارَةُ الْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَ مَا تِلْكَ مِنْ عِلْمِ الْإِمَامِ فَقَالَ إِنَّهُ لَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي عُلقَ بِجَدِّي فِيهَا أَتَى آتٍ جَدِّي أَبِي وَ هُوَ رَاقِدٌ فَاتَاهُ بِكَأْسٍ فِيهَا شَرِبَةٌ أَرْقُ مِنْ الْمَاءِ وَ أَيْضُ مِنَ اللَّبَنِ وَ الثِّينِ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَخْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَ أُبْرِدُ مِنَ التَّلْجِ فَسَقَاهُ إِيَّاهُ وَ أَمَرَهُ بِالْجَمَاعِ فَقَامَ فَرِحًا مَسْرُورًا وَ جَامِعٌ فَعُلِقَ فِيهَا بِجَدِّي وَ لَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي عُلقَ فِيهَا بِأَبِي أَتَى آتٍ جَدِّي فَسَقَاهُ كَمَا سَقَاهُ جَدِّي أَبِي وَ أَمَرَهُ بِالْجَمَاعِ فَقَامَ فَرِحًا مَسْرُورًا فَجَامِعٌ فَعُلِقَ بِأَبِي وَ لَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي عُلقَ فِيهَا أَتَى آتٍ أَبِي فَسَقَاهُ وَ أَمَرَهُ كَمَا أَمَرَهُمْ فَقَامَ فَرِحًا مَسْرُورًا فَجَامِعٌ فَعُلِقَ بِي وَ لَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي عُلقَ فِيهَا بِإِنِّي هَذَا أَتَانِي آتٍ كَمَا أَتَى جَدِّي أَبِي وَ جَدِّي وَ أَبِي فَسَقَانِي كَمَا سَقَاهُمْ وَ أَمَرَنِي كَمَا أَمَرَهُمْ فَقُمْتُ فَرِحًا مَسْرُورًا بَعْلَمُ اللَّهُ بِمَا وَهَبَ لِي فَجَامَعْتُ فَعُلِقَ بِإِنِّي وَ إِنْ نُظِفَةَ الْإِمَامُ مِمَّا أُخْبِرْتِكَ فَإِذَا اسْتَفْرَّتْ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً نَصَبَ اللَّهُ لَهُ عُمُودًا مِنْ نُورٍ فِي بَطْنِ أُمِّهِ يَنْظُرُ مِنْهُ مَدَّ بَصَرَهُ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ أَتَاهُ مَلَكٌ يَقَالُ لَهُ حَيَّوَانُ وَ كَتَبَ عَلَى عَضُدِهِ الْأَيْمَنِ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَإِذَا وَقَعَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ وَاضِعًا يَدَهُ عَلَى الْأَرْضِ رَافِعًا رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَإِذَا وَضَعَ يَدَهُ إِلَى الْأَرْضِ فَإِنَّهُ يَقْبِضُ كُلَّ عِلْمٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ أَمَّا رَفْعُهُ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنَّ مُنَادِيًا يُنَادِي مِنَ بَطْنَانِ الْعَرْشِ مِنْ قِبَلِ رَبِّ الْعِزَّةِ مِنَ الْأَفْقِ الْأَعْلَى بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ يَقُولُ يَا فُلَانُ اثْبُتْ تَبَتُّكَ اللَّهُ فَلِعَظِيمٍ مَا خَلَقَكَ أَنْتَ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي وَ مَوْضِعُ سِرِّي وَ عَيْبَةُ عِلْمِي لَكَ وَ لِمَنْ تَوَلَّكَ أَوْجَبَتْ رَحْمَتِي وَ أَسْكَنْتُ جَنَّتِي وَ أَخَلَّتْ جَوَارِي ثُمَّ وَ عَزَّتِي لِأَصْلِيانٍ مِنْ عَادَاكَ أَشَدَّ عَذَابِي وَ إِنْ أَوْسَعَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ سَعَةِ رِزْقِي فَإِذَا انْقَضَى صَوْتُ الْمُنَادِي أَجَابَهُ الْوَصِيُّ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِلَى آخِرِهَا فَإِذَا قَالَهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمَ الْأَوَّلِ وَ عِلْمَ الْآخِرِ وَ اسْتَوْجَبَ زِيَادَةَ الرُّوحِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ لَيْسَ الرُّوحُ جَبْرِيْلُ فَقَالَ جَبْرِيْلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ خَلْقٌ أَعْظَمُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص: ۴۴۲-۴۴۰

امام صادق ع می‌فرماید: حضرت علی ع در صبحدم اولین «شب قدر» پس از رحلت پیامبر اکرم ص، فرمود: از من سوال کنید که به خدا قسم برای شما درباره سید و شصت روز از [عالم] ذر و کمتر و بیشترش خبر می‌دهم و این خبری که می‌دهم، نه از روی تکلف است، و نه نظر شخصی است، و نه ادعای علمی دارم غیر از علم خدا و تعلیمی که او به من داده است، به خدا قسم اهل تورات و اهل انجیل و اهل زبور [= کتاب حضرت داود] و اهل فرقان [= قرآن] از من سوالی نکنند مگر اینکه برای اهل هر کتابی بر اساس کتاب خودشان حکم کنم.

به امام صادق ع گفتم آیا در مورد آنچه که در شب قدر از آن مطلع شده‌اید آیا ممکن است که سال بگذرد و چیزی از آنها بماند که در موردش سخنی نگفته باشید؟

فرمود: نه، سوگند به کسی که جانم به دست اوست. هرچند [ممکن است] در آنچه که در آن شب دانسته‌ایم این باشد که در مقابل دشمنان سکوت کنید [یعنی این مطالب را به کسانی که منکر مقام شما هستند، نگویند]؛ که در این صورت سکوت می‌کنیم که سکوت شدیدتر از کلام است.<sup>۱</sup>

۱. احادیث زیر در همین زمینه قابل توجه است:

(۱) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي تَنْزَلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ فَقَالَ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ قَالَ ثُمَّ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مِمَّنْ وَإِلَى مَنْ وَمَا يَنْزِلُ.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۲۲۱

(۲) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَغَيْرِهِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَسَّانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عَلِيٍّ ع مَعَهُ إِذْ قَالَ يَا عَلِيُّ أَلَمْ أَشْهَدَكَ مَعِيَ سَبْعَةَ مَوَاطِنَ الْمَوْطِنِ الْخَامِسِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ خُصِّصْنَا بِبِرْكَتِهَا لَيْسَتْ لِغَيْرِنَا.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۲۲۲

(۳) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كَانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ كَتَبَ اللَّهُ فِيهَا مَا يَكُونُ ثُمَّ يُرِينِي بِهِ قَالَ قُلْتُ إِلَى مَنْ قَالَ إِلَى مَنْ تَرَى؟

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۲۲۲

(۴) حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ يُونُسَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَرَأَيْتَ مَنْ لَمْ يُقِرَّ بِمَا يَأْتِيكُمْ [يَأْتِيكُمْ] فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَمَا ذُكِرَ وَ لَمْ يَجْحَدْهُ قَالَ أَمَا إِذَا قَامَتْ عَلَيْهِ الْحُجَّةُ مِنْ [مِمَّنْ] يَتَّقُ بِهِ فِي عِلْمِنَا فَلَمْ يَتَّقُ بِهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَ أَمَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْ ذَلِكَ فَهُوَ فِي عُدْرٍ حَتَّى يَسْمَعَ ثُمَّ قَالَ ع يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ .

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۲۲۴

(۵) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع كَثِيرًا مَا يَقُولُ مَا التَّفَقِينَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ع التَّيْبِيُّ وَ صَاحِبُهُ وَ هُوَ يَقُولُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ يَنْخَشَعُ وَ يَبْكِي فَيَقُولَانِ مَا أَشَدَّ رَقَّتْكَ بِهِذِهِ السُّورَةَ فَيَقُولُ لَهُمَا إِنَّمَا رَقَّتْ لِمَا رَأَتْ عَيْنَايَ وَ وَعَاهُ قَلْبِي وَ لِمَا رَأَى قَلْبُ هَذَا مِنْ بُعْدِي يَعْنِي عَلِيًّا ع فَيَقُولَانِ أَرَأَيْتَ وَ مَا الَّذِي يَرَى فَيَتْلُو هَذَا الْحَرْفَ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ قَالَ ثُمَّ يَقُولُ هَلْ بَقِيَ شَيْءٌ بَعْدَ قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كُلُّ أَمْرٍ فَيَقُولَانِ لَا فَيَقُولُ هَلْ تَعْلَمَانِ مِنَ الْمَنْزُولِ إِلَيْهِ بِذَلِكَ فَيَقُولَانِ لَا وَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَيَقُولُ نَعَمْ فَهَلْ تَكُونُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ مِنْ بُعْدِي فَيَقُولَانِ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ تَنْزَلُ [يَنْزِلُ] الْأَمْرُ فِيهَا فَيَقُولَانِ نَعَمْ فَيَقُولُ إِلَى مَنْ فَيَقُولَانِ لَا نَدْرِي فَيَأْخُذُ بِرَأْسِي فَيَقُولُ إِنْ لَمْ تَدْرِيَا هُوَ هَذَا مِنْ بُعْدِي قَالَ فَإِنْ كَانَا يَفْرَقَانِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ شِدَّةٍ مَا يَدْخُلُهُمَا مِنَ الرَّعْبِ.

٣) وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:

يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ خَاصِمُوا بِسُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَفْلُجُوا فَوَ اللَّهُ إِنَّهَا لِحُجَّةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَ  
إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ وَإِنَّهَا لَغَايَةُ عِلْمِنَا ...

الكافي، ج ١، ص ٢٤٩

وَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ

... وَإِيمُ اللَّهِ إِنَّ مَنْ صَدَّقَ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ لَيَعْلَمُ أَنَّهَا لَنَا خَاصَّةٌ لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَ لِعَلِيِّ عَ حِينَ دَنَا مَوْتُهُ «هَذَا وَلِيكُم مِّنْ بَعْدِي  
فَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ رَشِدْتُمْ» وَ لَكِنْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِمَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْكَرٌ وَ مَنْ آمَنَ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ مِمَّنْ عَلَى غَيْرِ رَأْيِنَا فَإِنَّهُ لَا يَسَعُهُ فِي  
الصَّدَقِ إِلَّا أَنْ يَقُولَ إِنَّهَا لَنَا وَ مَنْ لَمْ يَقُلْ فَإِنَّهُ كَاذِبٌ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَغْظَمَ مِنْ أَنْ يُنْزَلَ الْأَمْرَ مَعَ الرُّوحِ وَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى كَافِرٍ  
فَاسِقٍ فَإِنْ قَالَ إِنَّهُ يُنْزَلُ إِلَى الْخَلِيفَةِ الَّذِي هُوَ عَلَيْهَا فَلَيْسَ قَوْلُهُمْ ذَلِكَ بِشَيْءٍ وَ إِنْ قَالُوا إِنَّهُ لَيْسَ يُنْزَلُ إِلَى أَحَدٍ فَلَا يَكُونُ أَنْ يُنْزَلَ  
شَيْءٌ إِلَى غَيْرِ شَيْءٍ وَ إِنْ قَالُوا وَ سَيَقُولُونَ لَيْسَ هَذَا بِشَيْءٍ فَقَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا.

الكافي، ج ١، ص ٢٥٣

از امام باقر ع روایت شده است:

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ١، ص: ٢٢٤؛ الكافي، ج ١، ص ٢٤٩

٦) قَالَ: وَ قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَعْظُبُ عَلَيَّ قَالَ لِمَاذَا قَالَ لِمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهُ قَالَ قُلْ قَالَ وَ لَا تَعْظُبُ قَالَ وَ لَا أَعْظُبُ  
قَالَ أَرَأَيْتَ قَوْلَكَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةَ وَ الرُّوحَ فِيهَا إِلَى الْأَوْصِيَاءِ يَا تَوَنُّهُمُ بِأَمْرٍ لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَ قَدْ عَلِمَهُ أَوْ يَا تَوَنُّهُمُ بِأَمْرٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ  
صَ يَعْلَمُهُ وَ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ مَاتَ وَ لَيْسَ مِنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ إِلَّا وَ عَلِيٌّ عَ لَهُ وَاعٍ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مَا لِي وَ لَكَ أَيُّهَا الرَّجُلُ وَ مَنْ أَدْخَلَكَ عَلَيَّ قَالَ  
أَدْخَلَنِي عَلَيْكَ الْقَضَاءُ لَطَلَبَ الدِّينِ قَالَ فَافْهَمْ مَا أَقُولُ لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ لَمْ يَهْبِطْ حَتَّى أَغْلَمَهُ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ عِلْمَ مَا قَدْ كَانَ وَ مَا سَيَكُونُ وَ  
كَانَ كَثِيرٌ مِنْ عِلْمِهِ ذَلِكَ جَمَلًا يَأْتِي تَفْسِيرُهَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ كَذَلِكَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ قَدْ عَلِمَ جَمَلُ الْعِلْمِ وَ يَأْتِي تَفْسِيرُهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَمَا كَانَ مَعَ  
رَسُولِ اللَّهِ صَ قَالَ السَّائِلُ أَوْ مَا كَانَ فِي الْجَمَلِ تَفْسِيرٌ قَالَ بَلَى وَ لَكِنَّهُ إِنَّمَا يَأْتِي بِالْأَمْرِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ إِلَى النَّبِيِّ وَ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ أَفْعَلْ كَذَا وَ  
كَذَا لِأَمْرٍ قَدْ كَانُوا عَلَيْهِمْ أَمْرًا كَيْفَ يَعْمَلُونَ فِيهِ قُلْتُ فَسَّرْ لِي هَذَا قَالَ لَمْ يَمُتْ رَسُولُ اللَّهِ صَ إِلَّا حَافِظًا لِجَمَلَةِ الْعِلْمِ وَ تَفْسِيرِهِ قُلْتُ فَالَّذِي كَانَ يَأْتِيهِ فِي لَيْلَةِ  
الْقَدْرِ عِلْمٌ مَا هُوَ قَالَ الْأَمْرُ وَ الْيُسْرُ فِيمَا كَانَ قَدْ عَلِمَ قَالَ السَّائِلُ فَمَا يَحْدُثُ لَهُمْ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ عِلْمٌ سِوَى مَا عَلِمُوا قَالَ هَذَا مِمَّا أَمَرُوا بِكِنْمَانِهِ وَ لَا يَعْلَمُ  
تَفْسِيرَ مَا سَأَلْتَ عَنْهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ السَّائِلُ فَهَلْ يَعْلَمُ الْأَوْصِيَاءُ مَا لَا يَعْلَمُ الْأَنْبِيَاءُ قَالَ لَا وَ كَيْفَ يَعْلَمُ وَصِيٌّ غَيْرَ عِلْمِ مَا أَوْصَى إِلَيْهِ قَالَ السَّائِلُ فَهَلْ  
يَسْعُنَا أَنْ نَقُولَ إِنَّ أَحَدًا مِنَ الْوَصِيَّةِ يَعْلَمُ مَا لَا يَعْلَمُ الْآخَرُ قَالَ لَا لَمْ يَمُتْ نَبِيُّ إِلَّا وَ عِلْمُهُ فِي جَوْفِ وَصِيِّهِ وَ إِنَّمَا تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بِالْحُكْمِ  
الَّذِي يَحْكُمُ بِهِ بَيْنَ الْعِبَادِ قَالَ السَّائِلُ وَ مَا كَانُوا عَلِمُوا ذَلِكَ الْحُكْمَ قَالَ بَلَى قَدْ عَلِمُوهُ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ إِمضَاءَ شَيْءٍ مِنْهُ حَتَّى يُؤْمَرُوا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ  
كَيْفَ يَصْنَعُونَ إِلَى السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ قَالَ السَّائِلُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ لَا أَسْتَطِيعُ إِنْكَارَ هَذَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مَنْ أَنْكَرَهُ فَلَيْسَ مِنَّا قَالَ السَّائِلُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ أَرَأَيْتَ النَّبِيَّ صَ  
هَلْ كَانَ يَأْتِيهِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ شَيْءٌ لَمْ يَكُنْ عِلْمَهُ قَالَ لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَسْأَلَ عَنْ هَذَا أَمَّا عِلْمُ مَا كَانَ وَ مَا سَيَكُونُ فَلَيْسَ يَمُوتُ نَبِيُّ وَ لَا وَصِيٌّ إِلَّا وَ الْوَصِيُّ  
الَّذِي بَعْدَهُ يَعْلَمُهُ أَمَّا هَذَا الْعِلْمُ الَّذِي تَسْأَلُ عَنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَى أَنْ يُطَّلِعَ الْأَوْصِيَاءُ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ قَالَ السَّائِلُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كَيْفَ أَعْرِفُ أَنْ لَيْلَةَ  
الْقَدْرِ تَكُونُ فِي كُلِّ سَنَةٍ قَالَ إِذَا أَتَى شَهْرُ رَمَضَانَ فَاقْرَأْ سُورَةَ الدُّخَانِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِائَةَ مَرَّةٍ فَإِذَا أَتَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فَإِنَّكَ نَاطِرٌ إِلَى تَصَدِيقِ الَّذِي سَأَلْتَ  
عَنْهُ.

الكافي، ج ١، ص ٢٥٢-٢٥١

در بحث‌هایتان [با منکران جایگاه اهل‌بیت] به سوره «إنا انزلناه» استناد کنید تا پیروز شوید که به خدا قسم، این سوره حجت خداوند تبارک و تعالی بر مردم بعد از رسول خدا ص است و آن سرور و سالار دین شماسست و بدرستی که آن نهایت علم ماست ...

و نیز فرمودند:

... به خدا قسم کسی که به شب قدر اذعان کند قطعاً خواهد دانست که آن [امتیاز] خاص ماست چرا که رسول خدا ص هنگامی که مرگش نزدیک شده بود، با اشاره به حضرت علی ع فرمود: «این ولیّ شما پس از من است که اگر از او اطاعت کنید، رشد خواهید کرد» و کسی که به شب قدر ایمان نیاورد، منکر [نبوت و قرآن] است؛ و کسی که به شب قدر ایمان دارد اما دیدگاه دیگری دارد [امامت امیرالمومنین ع و اهل‌بیت را قبول ندارد] چاره‌ای ندارد جز اینکه تصدیق کند که این در مورد ماست، و کسی که چنین نگوید دروغ‌گوست زیرا خداوند عز و جل برتر از آن است که «أمر» را همراه با روح و ملائکه به کافر و فاسق نازل کند؛ و اگر بگوید که اینها بر خلیفه‌ای که او بدانها معتقد است نازل شده، که حرفش اصلاً [حتی برای خودش] قابل اعتنا نیست؛ و اگر بگوید که اینها اصلاً بر کسی نازل نشده‌اند معنی ندارد که چیزی، «به هیچکس» نازل شود؛ و اگر هم بگویند [هیچکس] اصلاً چیزی نیست، در گمراهی شدید فرو رفته‌اند.

[توضیح: امام برای اینکه «فرشتگان بر چه کسی نازل می‌شوند» تمام حالات ممکن را در پنج حالت را تصویر می‌کنند تا معلوم شود فقط اولی درست است:

۱- به امامان که تنها مدعیان این مساله بوده‌اند نازل شوند.

۲- به یک فرد کافر و فاسق نازل شوند، که معلوم است خطاست.

۳- به خلفای معروف نازل شوند، که حتی خودشان و اطرافیانشان چنین ادعایی نکرده و چنین باوری نداشته‌اند.

۴- به «هیچکس» نازل می‌شوند!

۵- نازل شدن آنها هیچ مخاطبی ندارد و بیهوده نازل می‌شوند]

تدبر

(۱) استدلال شیرین و محکمی از امام باقر ع در اثبات ضرورت امامت اهل بیت

حدیثی هست که خیلی زیبا نشان می‌دهد که چگونه با توجه به وجود شب قدر، حقانیت دیدگاه شیعه در جانشینی امیرالمومنین ع را برای هر مسلمان منصفی اثبات کرد (مصادقی کاربردی از حدیث ۳).

پیشاپیش از اینکه متن آن طولانی است، پوزش می‌خواهم اما برای اهل استدلال، به عنوان نمونه‌ای اعلی از یک تدبر قرآنی، بسیار شیرین است و من هم ابتدا و انتهایش که درباره موضوعات دیگر بود حذف کردم. (متن عربی حدیث را در پایان آمده است)

از امام جواد ع نقل شده که امام صادق ع فرموده است روزی پدرم مشغول طواف بود شخصی که با عمامه‌اش صورتش را پوشانده بود سراغش آمد و طواف ایشان را قطع کرد [و سخنانی رد و بدل شد تا بدینجا که] امام باقر ع فرمود:  
شیعیان ما این گونه با مخالفانشان می‌توانند بحث کنند که:

خداوند عز و جل به پیامبرش می‌فرماید: «بدرستی که ما آن را در شب قدر فرورستادیم...» [تا آخر سوره]؛ آیا در علم پیامبر ص چیزی بوده که در آن شب به او یاد نداده باشند و جبرئیل در غیر آن شب بیاورد؟ آنها خواهند گفت خیر.

پس به آنها بگو: هرآنچه را که دانست، چاره‌ای جز ابرازش داشت؟ خواهند گفت: خیر.

بگو: آیا در خود آن چیزی که پیامبر ص از علم خداوند عزوجل [که به او تعلیم داده بود] ابراز کرد، اختلاف و ناسازگاری‌ای بود؟

وقتی که گفتند: نه، بگو پس کسی که بر اساس «حکم الله»ی که دارای اختلاف و ناسازگاری است [!] حکم می‌کند، پس خلاف رسول خدا عمل کرده است!

و خواهند گفت: بله، چون اگر بگویند خیر [مخالفت نکرده]، سخن اولشان را نقض کرده‌اند [زیرا «حکم الله» در سخن پیامبر اختلاف و ناسازگاری نداشت، اما در نظر اینها دارد]. پس تو به آنها بگو «تاویل آن را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند» (آل عمران/۷) و وقتی گفتند «راسخان در علم» کیست؟ بگو: همان کسی که در علمش اختلاف و ناسازگاری پیدا نمی‌شود.

اگر گفتند: چه کسی این طور است؟

بگو: خود رسول خدا ص که این طور بود، آیا علم خود را ابلاغ کرد یا خیر؟

وقتی که گفتند: بله، ابلاغ کرد،

بگو: آیا در حالی از دنیا رفت که جانشین پس از او، علمی را که در آن اختلاف نباشد، می‌دانست؟

اگر گفتند نه،

بگو جانشین رسول خدا «مُؤَيَّد» (= مورد تایید) است [یعنی برای اینکه بتواند دقیقاً کار او را انجام دهد باید مورد تایید الهی باشد] و رسول خدا ص کسی را جانشین خود قرار نمی‌دهد مگر کسی که به حکم او حکم کند؛ و جز در [بهره‌مندی از] نبوت، همانند او باشد؛ و اگر رسول خدا کسی را در این علمش جانشین خود نکرد، پس حق نسل‌های بعدی را ضایع کرده است.

اگر گفتند: علم رسول خدا از قرآن بود [یعنی پیامبر کار ابلاغ را با همین ارائه قرآن انجام داد و بعدی‌ها هم چون قرآن را در اختیار دارند مشکلی ندارند]،

بگو: خداوند می‌فرماید: «حم، قسم به کتاب مبین، بدرستی که ما آن را در شبی مبارک نازل کردیم که ما قطعاً انذار دهنده هستیم، در آن شب مبارک هر امر حکیمانه‌ای تفصیل می‌یابد، و این امری از جانب پروردگارت است که ما قطعاً ارسال کننده هستیم» (دخان/۲-۴)

اگر گفتند: خداوند ارسال را جز از طریق پیامبر [ان] انجام نمی‌دهد، [یعنی این آیه درباره ارسال پیامبران است و می‌دانیم که پیامبر آخرین رسول خداست]

بگو: این امر حکیمانه‌ای که در آن شب تفصیل می‌یابد، آیا توسط ملائکه و روحی است که از آسمانی به آسمان دیگر نازل می‌شوند یا از آسمان به زمین؟

[الف] اگر گفتند: از آسمان به آسمان، بگو که در آسمان کسی نیست که قرار باشد از طاعت به معصیت روی آورد [تا نیاز باشد طبق آیه سوره دخان، خدا با این نازل کردن، وی را انذار دهد]

[ب] اگر گفتند: از آسمان به زمین، و اهل زمین‌اند که نیازمندترین خلایق به آن‌اند،

بگو: پس آنها نیازمند سروری هستند که حکمیت نزد او ببرند.

اگر گفتند: همان خلیفه، حکم آنهاست.

بگو: «خداوند ولیّ و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می‌برد. و کسانی که کفر ورزیده‌اند، ولیّ و سرپرست‌هایشان همان طاغوت است، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.» (بقره/۲۵۷) به جانم سوگند در زمین و آسمان «خداوند متعال ولیّ‌ای ندارد مگر اینکه «مؤید» [= تایید شده] باشد؛ و کسی که مورد تایید باشد، خطا نمی‌کند؛ و خداوند متعال در زمین دشمنی ندارد، مگر اینکه خوار و پست شده است، و کسی که خوار و پست شود، به نظر صواب و درست نمی‌رسد. همان گونه که لازم است «امر» از آسمان نازل شود تا اهل زمین بر اساس آن حکم کنند، همان گونه که «والی» نیاز است.

اگر گفتند: ما چنین کسی را نمی‌شناسیم!

بگو: «بگویید دوست نداریم [که بشناسیم]! خداوند عز و جل ابا داشت که بعد از حضرت محمد ص بندگان را به حال خود رها کند و حجتی برایشان قرار ندهد.»

امام صادق ع ادامه این گفتگو را این گونه بیان می‌کند:

سپس امام باقر ع درنگی کرد. او گفت: مطلب پیچیده شد. اگر آنها گفتند «حجت خدا، قرآن است» چطور؟

فرمود: آنگاه به آنها می‌گویم بدرستی که قرآن خودش سخن نمی‌گوید و امر و نهی نمی‌کند، بلکه قرآن اهلی دارد که آنها [با قرآن] امر و نهی می‌کنند.

و نیز می‌گویم برای برخی از زمینیان گاه مشکلی پیش می‌آید که در سنت نبوی و حکمی که اختلافی در آن نباشد، پاسخی برای آن یافت نمی‌شود و در [ظاهر] قرآن هم پاسخی ندارد، آیا خداوند هم در قبال چنان فتنه‌ای نمی‌گذارد علمش در زمین آشکار شود، و در حکم خدا هیچ راه‌حلی برای دفع آن و نجات مردمی که گرفتار آن شده‌اند وجود ندارد؟!

او گفت: یابن رسول الله! اینجاست که شما پیروز می‌شوید. شهادت می‌دهم که خداوند متعال هر مشکلی را که در زمین یا بر جان انسان‌ها، از دین یا غیر آن رخ دهد، می‌داند و قرآن را دلیلی برای آن قرار داده است (حدید/۲۲) و شما می‌دانید که چگونه قرآن بر آن دلالت می‌کند.

فرمود: بله، در قرآن همه حدود و تفسیر آنها هنگام حکم کردن آمده است؛

سپس فرمود: خداوند این گونه نیست که بنده‌ای را به مشکلی در دین یا در جان و مالش مبتلا کند که در زمین خدا، کسی که بتواند به نحو درست در مورد آن مشکل حکم کند وجود نداشته باشد.

او گفت: پس در این زمینه حجت آنها را کاملاً زمین زدید مگر اینکه مخالف شما بخواد بر خدا دروغ ببندد و بگوید خداوند در چنین مواردی انسانها را بدون هر حجتی رها می کند...

اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۷

متن حدیث استدلال امام باقر ع به سوره قدر در اثبات امامت اهل بیت:

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي ع قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع بَيْنَا أَبِي ع يَطُوفُ بِالْكَعْبَةِ إِذَا رَجُلٌ مُعْتَجِرٌ قَدْ قُيِّضَ لَهُ فَقَطَعَ عَلَيْهِ أُسْبُوعَهُ ...<sup>۱</sup>

قَالَ إِنَّ شَيْعَتَنَا إِنْ قَالُوا لِأَهْلِ الْخِلَافِ لَنَا إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ رِسُولِهِ ص - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ إِلَى آخِرِهَا فَهَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَعْلَمُ مِنَ الْعِلْمِ شَيْئاً لَمْ يَعْلَمْهُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَوْ يَأْتِيهِ بِهِ جَبْرَائِيلُ ع فِي غَيْرِهَا؟

فَأَنَّهُمْ سَيَقُولُونَ لَا

فَقُلْ لَهُمْ فَهَلْ كَانَ لِمَا عَلِمَ بَدُّ مِنْ أَنْ يُظْهِرَ؟

فَيَقُولُونَ لَا

فَقُلْ لَهُمْ فَهَلْ كَانَ فِيمَا أَظْهَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ اخْتِلَافٌ؟

فَإِنْ قَالُوا لَا

فَقُلْ لَهُمْ فَمَنْ حَكَمَ بِحُكْمِ اللَّهِ فِيهِ اخْتِلَافٌ فَهَلْ خَالَفَ رَسُولَ اللَّهِ ص

فَيَقُولُونَ نَعَمْ فَإِنْ قَالُوا لَا فَقَدْ نَقَضُوا أَوْلَ كَلَامِهِمْ

۱. حَتَّى أَذْخَلَهُ إِلَى دَارِ جَنْبِ الصَّفَا فَأَرْسَلَ إِلَيَّ فَكُنَّا ثَلَاثَةً فَقَالَ مَرْحَبًا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِي وَ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ بَعْدَ آبَائِهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ إِنْ شِئْتَ فَأَخْبِرْنِي وَ إِنْ شِئْتَ فَأَخْبِرْتِكَ وَ إِنْ شِئْتَ سَأَلْتَنِي وَ إِنْ شِئْتَ سَأَلْتُكَ وَ إِنْ شِئْتَ فَاصْدُقْنِي وَ إِنْ شِئْتَ صَدَّقْتُكَ قَالَ كُلُّ ذَلِكَ أَشَاءُ قَالَ فَإِيَّاكَ أَنْ يَنْطِقَ لِسَانُكَ عِنْدَ مَسْأَلَتِي بِأَمْرٍ تُضْمِرُ لِي غَيْرَهُ قَالَ إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ مَنْ فِي قَلْبِهِ عِلْمَانِ يُخَالِفُ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ وَ إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَبُو أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلْمٌ فِيهِ اخْتِلَافٌ قَالَ هَذِهِ مَسْأَلَتِي وَ قَدْ فَسَّرْتُ طَرَفًا مِنْهَا أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْعِلْمِ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ مَنْ يَعْلَمُهُ قَالَ أَمَّا جُمْلَةُ الْعِلْمِ فَعِنْدَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَمَّا مَا لَا بُدَّ لِلْعِبَادِ مِنْهُ فَعِنْدَ الْأَوْصِيَاءِ قَالَ فَفَتَحَ الرَّجُلُ عَجِيرَتَهُ وَ اسْتَوَى جَالِسًا وَ تَهَلَّلَ وَجْهُهُ وَ قَالَ هَذِهِ أَرَدْتُ وَ لَهَا أَتَيْتُ زَعَمْتُ أَنْ عِلْمٌ مَا لَا اخْتِلَافَ فِيهِ مِنَ الْعِلْمِ عِنْدَ الْأَوْصِيَاءِ فَكَيْفَ يَعْلَمُونَهُ قَالَ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَعْلَمُهُ إِلَّا أَنَّهُمْ لَا يَرَوْنَ مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَرَى لِأَنَّهُ كَانَ نَبِيًّا وَ هُمْ مُحَدَّثُونَ وَ أَنَّهُ كَانَ يَفِيءُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَسْمَعُ الْوَحْيَ وَ هُمْ لَا يَسْمَعُونَ فَقَالَ صَدَقْتَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ سَأَلْتُكَ بِمَسْأَلَةٍ صَعْبَةٍ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْعِلْمِ مَا لَهُ لَا يُظْهِرُ كَمَا كَانَ يُظْهِرُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ فَضَحِكَ أَبِي ع - وَ قَالَ أَبُو اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُطَّلِعَ عَلَى عِلْمِهِ إِلَّا مُتَّحِنًا لِلْإِيمَانِ بِهِ كَمَا قَضَى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص أَنْ يَصْبِرَ عَلَى أذى قَوْمِهِ وَ لَا يُجَاهِدَهُمْ إِلَّا بِأَمْرِهِ فَكَمْ مِنْ اِكْتِسَامٍ قَدْ اِكْتَسَمَ بِهِ حَتَّى قَبِلَ لَهُ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُسْرِكِينَ وَ إِيْمُ اللَّهِ أَنْ لَوْ صَدَعَ قَبْلَ ذَلِكَ لَكَانَ آمِنًا وَ لَكِنَّهُ إِنَّمَا نَظَرَ فِي الطَّاعَةِ وَ خَافَ الْخِلَافَ فَلِذَلِكَ كَفَّ فَوَدِدْتُ أَنْ عَيْنِكَ تَكُونُ مَعَ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ الْمَلَائِكَةُ بِسُيُوفِ آلِ دَاوُدَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ تُعَذِّبُ أَرْوَاحَ الْكُفْرَةِ مِنَ الْأَمْوَاتِ وَ تُلْحِقُ بِهِمْ أَرْوَاحَ أَشْبَاهِهِمْ مِنَ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ أَخْرَجَ سَيْفًا ثُمَّ قَالَ هَا إِنْ هَذَا مِنْهَا قَالَ فَقَالَ أَبِي إِي وَ الَّذِي اصْطَفَى مُحَمَّدًا عَلَى الْبَشَرِ قَالَ فَرَدَّ الرَّجُلُ اعْتِجَارَهُ وَ قَالَ أَنَا إِيَّاسُ مَا سَأَلْتُكَ عَنْ أَمْرِكَ وَ بِي مِنْهُ جَهَالَةٌ غَيْرَ أَنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونَ هَذَا الْحَدِيثُ قُوَّةً لِأَصْحَابِكَ وَ سَأَخْبِرُكَ بِآيَةٍ أَنْتَ تَعْرِفُهَا إِنْ خَاصَمُوا بِهَا فَاجْعَلُوا قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبِي إِنْ شِئْتَ أَخْبِرْتُكَ بِهَا قَالَ قَدْ شِئْتُ



فَقُلْ لَهُمْ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ  
فَإِنْ قَالُوا مَنْ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؟  
فَقُلْ مَنْ لَّا يَخْتَلِفُ فِي عِلْمِهِ  
فَإِنْ قَالُوا فَمَنْ هُوَ ذَاكَ  
فَقُلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص صَاحِبَ ذَلِكَ فَهَلْ بَلَغَ أَوْ لَأ؟  
فَإِنْ قَالُوا قَدْ بَلَغَ  
فَقُلْ فَهَلْ مَاتَ ص وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُ عِلْمًا لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ؟  
فَإِنْ قَالُوا لَأ

فَقُلْ إِنْ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص مُؤَيَّدٌ وَ لَّا يَسْتَخْلِفُ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَّا مَنْ يَحْكُمُ بِحُكْمِهِ وَإِلَّا مَنْ يَكُونُ مِثْلَهُ إِلَّا النَّبُوَّةَ - وَإِنْ  
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمْ يَسْتَخْلِفْ فِي عِلْمِهِ أَحَدًا فَقَدْ ضَيَّعَ مَنْ فِي أَصْنَافِ الرِّجَالِ مِمَّنْ يَكُونُ بَعْدَهُ  
فَإِنْ قَالُوا لَكَ فَإِنَّ عِلْمَ رَسُولِ اللَّهِ ص كَانَ مِنَ الْقُرْآنِ  
فَقُلْ - حم. وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا إِلَى قَوْلِهِ - إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ  
فَإِنْ قَالُوا لَكَ لَأ يُرْسِلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا إِلَى نَبِيِّ  
فَقُلْ هَذَا الْأَمْرُ الْحَكِيمُ الَّذِي يُفْرَقُ فِيهِ هُوَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنْ سَّمَاءٍ إِلَى سَّمَاءٍ أَوْ مِنْ سَّمَاءٍ إِلَى أَرْضٍ؟  
فَإِنْ قَالُوا مِنْ سَّمَاءٍ إِلَى سَّمَاءٍ،  
فَلَيْسَ فِي سَّمَاءٍ أَحَدٌ يَرْجِعُ مِنْ طَاعَةٍ إِلَى مَعْصِيَةٍ  
فَإِنْ قَالُوا مِنْ سَّمَاءٍ إِلَى أَرْضٍ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ أَحْوَجُ الْخَلْقِ إِلَى ذَلِكَ  
فَقُلْ فَهَلْ لَهُمْ بُدٌّ مِنْ سَيِّدٍ يَتَحَاكَمُونَ إِلَيْهِ  
فَإِنْ قَالُوا فَإِنَّ الْخَلِيفَةَ هُوَ حَكَمُهُمْ  
فَقُلْ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ إِلَى قَوْلِهِ خَالِدُونَ لَعَمْرِي مَا فِي الْأَرْضِ وَ لَأ فِي السَّمَاءِ وَلِيُّ لِلَّهِ  
عَزَّ ذِكْرُهُ إِلَّا وَ هُوَ مُؤَيَّدٌ وَ مَنْ أَيْدٍ لَمْ يُخْطِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ عَدُوٌّ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ إِلَّا وَ هُوَ مَخْذُولٌ وَ مَنْ خُذِلَ لَمْ يُصِيبْ كَمَا أَنَّ الْأَمْرَ  
لَأ بُدٌّ مِنْ تَنْزِيلِهِ مِنَ السَّمَاءِ يَحْكُمُ بِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ كَذَلِكَ لَأ بُدٌّ مِنْ وَالٍ  
فَإِنْ قَالُوا لَأ نَعْرِفُ هَذَا

فَقُلْ لَهُمْ قُولُوا مَا أَحْبَبْتُمْ أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ص أَنْ يَتْرَكَ الْعِبَادَ وَ لَأ حُجَّةَ عَلَيْهِمْ  
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع

ثُمَّ وَفَّ فَقَالَ هَاهُنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بَابٌ غَامِضٌ أُرَيْتَ إِنْ قَالُوا حُجَّةُ اللَّهِ الْقُرْآنُ  
قَالَ إِذْنٌ أَقُولَ لَهُمْ إِنْ الْقُرْآنَ لَيْسَ بِنَاطِقٍ يَأْمُرُ وَ يَنْهَى وَ لَكِنَّ الْقُرْآنَ أَهْلٌ يَأْمُرُونَ وَ يَنْهَوْنَ  
وَ أَقُولُ قَدْ عَرَضَتْ لِبَعْضِ أَهْلِ الْأَرْضِ مُصِيبَةٌ مَا هِيَ فِي السُّنَّةِ وَ الْحُكْمِ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ - وَ لَيْسَتْ فِي الْقُرْآنِ أَبِي  
اللَّهُ لِعِلْمِهِ بِتِلْكَ الْفِتْنَةِ أَنْ تَظْهَرَ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ فِي حُكْمِهِ رَادٌّ لَهَا وَ مُفْرَجٌ عَنْ أَهْلِهَا

فَقَالَ هَاهُنَا تَفَلُّجُونَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ قَدْ عَلِمَ بِمَا يُصِيبُ الْخَلْقَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ أَوْ فِي أَنْفُسِهِمْ  
مِنَ الدِّينِ أَوْ غَيْرِهِ فَوَضَعَ الْقُرْآنَ دَلِيلًا -

قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ هَلْ تَدْرِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ دَلِيلَ مَا هُوَ

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ نَعَمْ فِيهِ جَمَلُ الْخُدُودِ وَ تَفْسِيرُهَا عِنْدَ الْحُكْمِ فَقَالَ أَبِي اللَّهُ أَنْ يُصِيبَ عَبْدًا بِمُصِيبَةٍ فِي دِينِهِ أَوْ فِي نَفْسِهِ أَوْ  
فِي مَالِهِ لَيْسَ فِي أَرْضِهِ مِنْ حُكْمِهِ قَاضٍ بِالصَّوَابِ فِي تِلْكَ الْمُصِيبَةِ

قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَمَا فِي هَذَا الْبَابِ فَقَدْ فَلَجْتَهُمْ بِحُجَّتِهِ إِلَّا أَنْ يَفْتَرِيَ خَصْمُكُمْ عَلَى اللَّهِ ...<sup>۱</sup>

الكافي، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۷

(۲) «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا...»: چنانکه در قسمت نکات ترجمه اشاره شد واژه «تنزل» تفاوت مهمی با کلمه‌های «نزل» و «انزل» و «نزل» دارد و آن اینکه آن کلمات را در مورد پایین آمدن هر موجودی (با شعور و بی شعور) می‌توان به کار برد (مثلاً: نزول باران) اما «تنزل» دلالت بر نزولی دارد که به نحوی با اراده و اختیار باشد (ظاهراً به همین جهت است که قرآن کریم تعبیر تنزل را در مورد غیرجاندارانی مانند باران و غذا و ... به کار نبرده است) بدین ترتیب معلوم می‌شود که اگرچه شاید در کلمه «نزل» (مثلاً نزول باران) مخاطب خاصی مهم نباشد، اما در کلمه «تنزل» حتماً مخاطب خاصی مد نظر است؛ و این مطلب در این آیه بسیار واضح‌تر است: اینکه ملائکه و روح در شب خاصی تنزل کنند، حتماً حکایتگر از این است که کسی بوده که اینها نزد او تنزل کرده‌اند و همین شاهد مهمی است بر وجود انسانی که شب قدر با وجود او معنی پیدا می‌کند (حدیث ۲ و ۳؛ و نیز جلسه ۹۸، حدیث ۱ و ۳)

لذا این آیه، شاهد مهمی است بر استمرار هر ساله مقام خلیفه‌اللهی انسان، که مسجود همه ملائکه شد (بقره/۳۱)

(۳) «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا...»: باور به «نزول هر ساله فرشتگان در یک شب»، چه اهمیت و ثمره‌ای در دینداری ما دارد؟

- برای حفظ و بقای یک دین، مهمترین مساله این است که بعد از رحلت پیام‌رسان اصلی، معارف دین از چه منبعی دریافت شود که مطمئن باشیم اشتباهی رخ نمی‌دهد. (مساله «اختلاف قرائتها» هم که امروزه مطرح است، همین است که از کجا بدانیم که کدام فهم از دین، صددرصد معتبر است)

- اگر قرآن به عنوان کتاب پیامبر ص و تنها سند قطعی بین همه مسلمانان بخواهد مرجع حل اختلاف بماند، حتماً باید خداوند شاهد یا شواهدی قرار دهد که به نحو قطعی نشان دهد کدام قرائت از قرآن صددرصد معتبر است؛ وگرنه کتابی که مفاهیمش مورد اختلاف است، نمی‌تواند برطرف کننده اختلاف باشد.

۱. فَيَقُولُ لَيْسَ لِلَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ حُجَّةٌ وَلَكِنْ آخِرُنِي عَنْ تَفْسِيرٍ - لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِمَّا خُصَّ بِهِ عَلِيُّ ع - وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ قَالَ فِي أَبِي فَلَانَ وَ أَصْحَابِهِ وَاحِدَةٌ مُقَدَّمَةٌ وَ وَاحِدَةٌ مُؤَخَّرَةٌ - لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِمَّا خُصَّ بِهِ عَلِيُّ ع - وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ مِنَ الْفِتْنَةِ الَّتِي عَرَضَتْ لَكُمْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص - فَقَالَ الرَّجُلُ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْحَابُ الْحُكْمِ الَّذِي لَا اخْتِلَافَ فِيهِ ثُمَّ قَامَ الرَّجُلُ وَ ذَهَبَ فَلَمْ أَرَهُ.

- نزول هرساله فرشتگان، آن هم به اذن مستقیم خدا (بِإِذْنِ رَبِّهِمْ)، و آن درباره همه امور (مِنْ كُلِّ أَمْرٍ)، در یک شب معین، که دلالت دارد بر وجود شخصی که مخاطب آنهاست (تدبر ۱)، تضمینی است برای ما در خصوص وجود کسانی که قرائت صددرصد معتبر از دین دارند (که: با مراجعه به آنها در فهم دین دچار خطا نمی شویم).

بدین ترتیب، اذعان به شب قدر و باور به نزول هرساله فرشتگان، با تثبیت مساله امامت (تدبر ۱)، حجت را بر انسان تمام کرده، انسان را از صحت مذهب خویش (صحت این قرائت از اسلام) مطمئن می سازد و می تواند اثرات هزار ماه انحراف ایجاد شده توسط بنی امیه و دیگران را جبران کند. (حدیث ۲، دیروز)

### دو مورد زیر را در کانال نگذاشتم

۴) این «روح» چیست؟ و چرا «الروح» را مستقل از «ملائکه» آورد؟

این مطلب از بحث های دشواری است که خود خداوند تصریح کرده که اطلاعاتی که شما در این باره دارید بسیار کم است (وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا؛ إسرائ/۸۵) این مقدار واضح است که این «الروح» از آنجا که همراه ملائکه در شب قدر نازل می شود، علی القاعده غیر از روحی است که هرکس دارد و اشاره جداگانه به آن نشان می دهد که او موجودی مستقل از ملائکه است (حدیث ۱) که علی القاعده نسبت خاصی با انسان دارد.

ضمناً همین که قرآن بدان اشاره کرده، نشان می دهد که برخلاف تصور برخی، مطلبی نیست که انسان اصلاً نتواند بدان پی ببرد؛ اما همین نحوه بیان قرآن (أسرائ/۸۵) نشان می دهد که مساله اش بسیار بغرنج تر از آن است که کسی انتظار داشته باشد با چند جمله و چند تلقی سطحی مساله تمام شود. مواظب باشیم وقتی مطلبی خیلی عمیق است، زمینه سوءاستفاده های از آن هم زیاد می شود؛ لذا در کسب اطلاعات در این زمینه بسیار باید با احتیاط حرکت کرد.

۵) «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ ... بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»: چرا تعبیر «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» را آورد (خصوصاً که می دانیم فرشتگان بی اذن خدا هیچ کاری نمی کنند)؟

الف. شاید برای تاکید بر این است که این یک برنامه ای است که خدا به نحو خاص مقرر داشته است.

ب. ...

ترجمه

سلام است آن [شب] تا هنگام طلوع فجر.

نکات ترجمه‌ای و نحوی

«سَلَامٌ» از ماده «سلم» به معنای سلامتی و صحت از هرگونه عیب و نقصی است (معجم المقاییس اللغة ۳/ ۹۱) و تعبیر «سلام» به معنای طلب سلامتی کردن است که در انسان‌ها با سخن، و در خداوند [مانند تعابیر قرآنی که خداوند می‌فرماید: سَلَامٌ عَلٰی...] با فعلش انجام می‌شود (مفردات ألفاظ القرآن/ ۴۲۱)

جایگاه «سَلَامٌ» به لحاظ نحوی:

الف. غالباً آن را خبر مقدم در نظر گرفته‌اند که مبتدایش کلمه «هی» بوده است؛ یعنی اصلش به این صورت بوده، «هی سلام حتی...»<sup>۱</sup>.

ب. چنانکه در بحث آیه قبل اشاره شد، برخی آن را مبتدای موخر (در قبال عبارت «من کل امر») در نظر گرفته‌اند که در این صورت، تا این کلمه سلام، با دو جمله مواجهیم: ملائکه و روح در شب قدر نازل می‌شوند، و از جانب هر امری، سلام [بر تو باد].

ج. ظاهراً می‌توان کل این آیه را در مقام مبتدای موخر قرار داد در قبال عبارت «من کل امر»، که معنی‌اش چنین می‌شود: از جانب هر امری، این شب تا طلوع فجر سلام است.<sup>۲</sup>

۱. در این صورت یک مشکلی به لحاظ نحوی پیش می‌آید که، سلام مصدر است و اگر قرار باشد جار و مجرور (حَتَّى مَطْلَعِ ...) بدان متعلق باشد (یعنی: حتی مطلع الفجر، توضیح سلام باشد: زمان سلام، تا طلوع فجر است) نباید بین مصدر با متعلقش فاصله باشد. که در پاسخ چهار گونه توضیح داده‌اند. یکی اینکه اینجا «مصدر» را نه به معنای مصدری، بلکه به معنای فاعلی در نظر بگیریم (یعنی: سلامت بخشی آن [نه صرف سلامتی آن] تا هنگام طلوع است)؛ دوم اینکه (حَتَّى مَطْلَعِ ...) متعلق به «تنزل» در آیه قبل باشد، نه به سلام (یعنی تنزل ملائکه تا طلوع صبح ادامه دارد) (مجمع البیان فی تفسیر القرآن ۱۰/ ۷۸۶)؛ سوم اینکه این قاعده لزوماً در مورد جار و مجرور و ظرف پیاده نمی‌شود (یتوسع فیها ما لا یتوسع فی غیرها) و چهارم اینکه فعلی در تقدیر است (یستمرون السلام حتی ...) (إعراب القرآن و بیانه ۱۰/ ۵۳۸)

۲. با توجه به مجموع این ملاحظات، ظاهراً مجموع این آیه و آیه قبل به همه معانی ذیل می‌تواند دلالت کند (به ویرگول دقت شود). ضمناً در این معانی، حالت‌هایی که به لحاظ تحلیل نحوی تفاوت دارد اما در معنا اثری نمی‌گذارد، (مانند مورد چهارم از بند الف) اصلاً مد نظر قرار نگرفته است:

- ۱- نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان از برای همه کارها [یا: از کل عالم امر] ، سلام است آن شب تا هنگام طلوع فجر.
- ۲- نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان تا هنگام طلوع فجر، از برای همه کارها [یا: از کل عالم امر] سلام است آن شب.
- ۳- نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان از برای همه کارها [یا: از کل عالم امر] تا هنگام طلوع فجر، سلام است آن شب.
- ۴- نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان، از برای همه کارها [یا: از کل عالم امر] سلام است آن شب تا هنگام طلوع فجر.

۱) وَ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَطْوِي فِرَاشَهُ وَيَشُدُّ مِثْرَهُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ كَانَ يُوقِظُ أَهْلَهُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ وَ كَانَ يَرُشُّ وَجْهَهُ النِّيَامَ بِالْمَاءِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع لَا تَدْعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهَا يَنَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ تُدَاوِيهِمْ بِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَ تَتَاهَبُ لَهُا مِنَ النَّهَارِ وَ تَقُولُ مَحْرُومٌ مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا.

دعائم الإسلام، ج ۱، ص: ۲۸۳

از امام علی ع روایت شده است که رسول خدا ص در دهه آخر ماه رمضان رختخوابش را جمع می کرد و دامن همت به کمر می زد و روالش این بود که در شب بیست و سوم که خانواده اش را بیدار نگه می داشت و در آن شب به صورت کسانی که خوابشان می آمد آب می زد، و حضرت فاطمه س هم در آن شب نمی گذاشت کسی از خانواده اش بخوابد و با کم کردن غذای [افطار و شام] سعی می کرد مانع خواب آنها شود، و از روز برای این شب آماده می شد و می فرمود: محروم کسی است که از خیر این شب محروم بماند.<sup>۱</sup>

۵- نازل می شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان، از برای همه کارها [یا: از کل عالم امر] سلام است، آن شب تا هنگام طلوع فجر

[چنین است].

پس، با توجه به قاعده امکان استعمال لفظ، این آیه، فقط به لحاظ قالب نحوی، دست کم بر ۵ معنا و با توجه سه معنای فقط یکی از کلمات («امر» به معنای عالم امر، یا مفرد «امور»، یا مفرد اوامر) دست کم به ۱۵ معنا دلالت داشته باشد، که به نظر می آید همگی هم می تواند مورد نظر بوده باشد. (این نمونه بسیار ابتدایی و ساده ای است از اینکه چگونه ممکن است حقایق بسیاری با الفظی بسیار محدود بیان شود)

۱. درباره این شب مبارک این دو روایت هم قابل توجه است:

۱) مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ [عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ] قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ نَاسٌ يَسْأَلُونَهُ يَقُولُونَ الْأَرْزَاقُ تُقَسَّمُ لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ قَالَ فَقَالَ لَا وَاللَّهِ مَا ذَاكَ إِلَّا فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فَإِنَّ فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةَ يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ وَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ وَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ يُمِضِي مَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ قَالَ قُلْتُ مَا مَعْنَى قَوْلِهِ يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ قَالَ يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهَا مَا أَرَادَ مِنْ تَقْدِيمِهِ وَ تَأْخِيرِهِ وَ إِرَادَتِهِ وَ قَضَائِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى يُمِضِيهِ فِي ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ قَالَ إِنَّهُ يَفْرُقُهُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ يَكُونُ لَهُ فِيهِ الْبَدَأُ فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ أَمْضَاهُ فَيَكُونُ مِنَ الْمُحْتَمِومِ الَّذِي لَا يَبْدُو لَهُ فِيهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

الكافي، ج ۴، ص ۱۵۹

۲) مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ ع قَالَ: تَكَرَّرَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءُ سَاجِدًا وَ قَائِمًا وَ قَاعِدًا وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ فِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَ كَيْفَ أَمَكْنِكَ وَ مَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ص - اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ قَائِدًا وَ عَوْنًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

الكافي، ج ۴، ص ۱۶۲

۲) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» قَالَ: نَزَلَ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ مِنْ مَوْتٍ أَوْ مَوْلُودٍ. قُلْتُ لَهُ: إِلَى مَنْ؟

فَقَالَ: إِلَى مَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ؟ إِنَّ النَّاسَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ فِي صَلَاةٍ وَ دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ وَ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ فِي شُغْلِ تَنْزَلِ الْمَلَائِكَةِ إِلَيْهِ بِأُمُورِ السَّنَةِ مِنْ غُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِهَا مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٍ هِيَ لَهُ إِلَى أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ.

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص: ۲۲۰

داود بن فرقد از امام ع درباره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» سوال می کند.

امام می فرماید: در این شب آنچه از این سال تا سال بعد، از مرگ و تولد [و ...] بعد رخ خواهد داد نازل می شود. گفتیم: به چه کسی؟

فرمود: به چه کسی احتمال دارد؟ مردم در آن شب به نماز و دعا و درخواست مشغولند و صاحب این امر هم به کارهایی، ملائکه با امور سال از غروب خورشید تا طلوع آن به جانب او نازل می شوند از همه امور [که] آن برای او سلام است تا اینکه صبح طلوع کند.<sup>۱</sup>

۳) وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ

... ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِيِ أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّاهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٍ» دَائِمَ الْبَرَكَةِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ...

صحیفه سجادیه، دعای ۴۴

امام زین العابدین در فرازی از دعای هنگام ورود در ماه رمضان فرمودند:

سپس خداوند یک شب از شبهای آن را بر شبهای هزار ماه برتری دارد و آن را شب قدر نامید، که «نازل می شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارش از هر امری سلام»ی دائم البرکت است تا طلوع فجر بر هر کس از بندگانش که بخواد به آنچه که قضای او حکم کرده است.

۴) مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ النَّانِي ع قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ:

... قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ.

قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ هَلْ تَدْرِي لِمَ هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؟

قَالَ لَا

۱. قَالَ [حَدَّثَنَا] أَبُو الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فَرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ مُعْتَمِنًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ [السُّورَةَ] بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ

سَلَامٍ أَيْ بِكُلِّ أَمْرِ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ سَلَامًا.

تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۸۱

قَالَ لِأَنَّهَا تَنْزَلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ وَإِذَا أَدِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ فَقَدْ رَضِيَهُ  
 سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ يَقُولُ تَسَلَّمُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ مَلَائِكَتِي وَرُوحِي بِسَلَامِي مِنْ أَوَّلِ مَا يَهْبِطُونَ إِلَى مَطْلَعِ الْفَجْرِ...  
 الكافي، ج ۱، ص ۲۴۸

از امام زین العابدین ع روایت شده که:

... خداوند عزوجل فرمود که: «شب قدر بهتر است از هزار ماهی» که شب قدر در آن نباشد؛

و به رسول خود فرمود که: آیا می دانی که چرا این شب از هزار ماه بهتر است؟

عرض کرد: نه،

فرمود: زیرا این شب چنان است که در آن فرشتگان و روح به اذن پروردگار خویش، از هر امری فرود می آیند؛ و هرگاه

خداوند عزوجل به چیزی اذن دهد، بدان رضایت داده است؛

«سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» می فرماید که: فرشتگان من و روح من به سلام من بر تو سلام می کنند ای محمد، از اولی

که فرود می آیند تا طلوع فجر.

تدبر

۱) «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»

اگر قرار است این شب را خدا به پیامبرش داده باشد که اثرات انحراف هزار ماه حکومت بنی امیه را خنثی کند، [\(جلسه ۹۹،](#)

[حدیث ۲\)](#)،

اگر قرار است این شب باطن حضرت زهرا باشد [\(جلسه ۹۸، حدیث ۳\)](#)،

اگر قرار است همه ملائکه و روح در این شب در نزد ولی الله الاعظم در زمین گردآیند، [\(جلسه ۱۰۰، احادیث ۲ و ۳\)](#)،

و اگر قرار است در این شب، در کنف حمایت ویژه امام زمان مان باشیم و به او متصل شویم و مقدرات مان در محضر او

امضاء شود (چنانکه خواندن دعای «اللهم کن لولیک» را در شب بیست و سوم بسیار توصیه کرده اند: کافی ۴ / ۱۶۲)،

واضح است که باید سرتاسرش سلام و سلامتی و ایمنی باشد.

۲) «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»

در برخی احادیث تعبیر شده که «حتی مَطْلَعِ الْفَجْرِ» اشاره به «مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ ع» یا «حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ ع» است [\(حدیث ۱](#)

[جلسه ۹۷ و حدیث ۳ جلسه ۹۸\)](#). چرا؟

الف. قبلا اشاره شد که قیامت همواره با روز تعبیر شده، اما حقایق عمیق دنیا همواره با تعبیر شب مورد توجه قرار گرفته

است [\(جلسه ۹۸، تدبر ۱\)](#). شاید - برخلاف کسانی که می گویند اگر عبارت «سلام» را ادامه آیه قبل بدانیم، عبارت «هی حتی

مطلع الفجر» لغو می شود (مجمع البیان ۱۰ / ۷۸۶) - می خواهد بفرماید که واقعا کلمه «سلام» را می توان با آیه قبل معنی کرد،

۱. که در حدیث زیر کاملا این چنین است:

و این که «شب، تا طلوع فجر خواهد بود» نیز سخن لغوی نیست؛ چون خبر می‌دهد که شب بودن دنیا [که همه حقایق و خوبی‌ها مخفی است و فساد و بدی و ظلمت است که میدان‌دار است] تا طلوع فجر قائم ادامه دارد.

ب. شاید اشاره به این باشد که اگر کسی حقیقت شب قدر را درک کرد، دین و حقیقت فطرتش تا ظهور قائم از فتنه‌های

آخرالزمان در سلامت خواهد ماند. اگر مقدرات سال ما در این شب رقم می‌خورد، چرا چنین چیزی ممکن نباشد؟

ج. شاید دارد انگیزه ما را بالا می‌برد تا در این شب، محضر امام ع را درک کنیم: آیا ممکن است کسی به حقیقت شب

قدر برسد، اما محضر امام ع را درک نکند؟ و اگر کسی محضر امام ع را درک کرد، به مطلع فجر قائم نرسیده است؟ آیا کسانی

که یک سال خود را آماده می‌کردند تا شب قدر را درک کنند، چنین تصویری داشته‌اند؟

د. ...

۳) «سَلَامٌ هِيَ...»:

درباره چرایی سلام بودن این شب تا صبح، مفسران این نظرات را گفته‌اند:

- مردم از شرور و بلاها و آفات شیطان این شب تا صبح در امان‌اند.

- این شب تا صبح سالم است از اینکه شیطان بتواند در آن حادثه سوئی ایجاد کند.

- ملائکه که این شب تا صبح نزول می‌کنند به اولیاء الله و کسانی که اهل طاعت خداوند هستند سلام می‌دهند.

- چون خدا در امشب همه خیرات و برکات را مقدر می‌کند، پس «هر امری [که مقدر می‌شود] در امشب تا صبح سلام

است»

- سلامتی و برکت امشب در کل شب است و فقط در یک لحظه خاصی از آن نیست. (همه موارد به نقل از: مجمع

البیان ۱۰ / ۷۹۱)

- شب قدر شب نزول سلامتی و رحمت از جانب خداست (قرائتی، تفسیر نور ۱۰/۵۵۲)

- تقدیر امور در این شب بر اساس سلامتی و سعادت بشر است، مگر اینکه خود فرد جز این بخواهد (تفسیر نور ۱۰/۵۵۲)

۴) «سَلَامٌ هِيَ...»:

می‌دانیم که «سلام» یکی از اسماء الله است (حشر/۲۳) و نیز کلمه‌ای است که در توصیف خود بهشت (انعام/۱۲۷)؛

یونس/۲۵) و راه رسیدن به خدا و بهشت (مائده/۱۶) به کار رفته است. با توجه به قرابت شب قدر با روز قیامت (جلسه ۹۸،

تدبر ۱) شاید آیه می‌خواهد اشاره کند که حقیقت «سلام» در شب قدر در دینا برای کسانی که این شب را درک کنند، حاصل

می‌شود.

---

قَالَ [حَدَّثَنَا] أَبُو الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فَرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ مُعْنَعًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ [السُّورَةَ] بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

سَلَامٌ أَيْ بِكُلِّ أَمْرٍ إِلَى مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ سَلَامٌ.

تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۸۱



سعی کنیم در این شب مبارک، اگر به محضر امام عجم راه نبرسیم، دست‌کم سلامی خالصانه خدمت آن حضرت عرضه کنیم:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ خَلْقِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمَّنَهُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْتُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرَ مَكْدُوبٍ ... (مفاتيح الجنان،

زیارت آل یس)

اگر روزی حداقل در یک آیه قرآن بیندیشیم بعد از ۱۷ سال در طول عمرمان در تمام آیات تدبیر کرده ایم.

لینک کانال «حداقل یک آیه در روز»

<https://telegram.me/YekAaye>

لینک وبلاگ «حداقل یک آیه در روز»

<http://yekayehqurandarrooz.parsiblog.com/>

آدرس کانال «حداقل یک آیه در روز» در تلگرام

@YekAaye

ارتباط با حسین سوزنچی (نویسنده کانال) در تلگرام

@hsouzanchi